

پژوهشی کیفی در فقر فرهنگ ریسک و مخاطرات محیطی (شهر تهران)*

نویسنده: حمید رزاقی

مقدمه

طی چند دهه اخیر با تشدید فرآیند جهانی شدن، جوامع و کشورها در شرایطی قرار گرفته‌اند که هر چه بیشتر به سمت عدم قطعیت‌ها و بحران‌های غیر منتظره پیش می‌روند. جهانی که با نگاه جامعه‌شناسی بیش از پیش آشفته و غوطه‌ور در تهدیدهای زیست محیطی شده است. ما از دنیایی امن و ایمن پیشین پای در دنیای مخاطرات بالقوه و بالفعل بی‌شماری گذاشته‌ایم. دنیایی که آرامش و امنیت را از انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها می‌رباید و موجودیت بشر را تهدید می‌کند. به طوری که دامنه آن‌ها به قدری گسترش یافته که به ویژگی اصلی جوامع امروزی در آمده است. در عین حال مخاطرات امروزی ریشه در شرایط جامعه‌ساز دارد و عواقب وخیمی را در جوامع صنعتی و در جوامع کمتر صنعتی به صورت درهم تنیده‌ای ایجاد کرده است. از این رو مفهوم و پدیده ریسک^۱ ابعادی وسیع‌تر و تازه‌تری پیدا کرده است. به وجهی که فهم و درک آن خاص جوامع معین نیست و پیامدها و آثار آن نیز به جامعه و فضای مشخصی، محدود نمی‌شود و همه جهان را در بر گرفته است.

نشت گاز سمی از کارخانه حشره‌کش‌سازی به صورت ابر مسموم بر فراز شهر بوپال^۲ هند در سال 1984، حادثه هسته‌ای چرنوبیل در اوکراین سال 1986، نشت نفت کش اکسون والدیز^۳ در آب‌های آلاسکا و بیماری قریب پانصد هزار نفر و مرگ هزاران جانور دریایی ناشی از آن در سال 1989، شیوع مجدد تب ابولا^۴ در سال‌های 2014 و 2015 در آفریقا، حادثه اتمی ناشی از سونامی زلزله در نیروگاه فوکوشیما ژاپن (2011)، بحران آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای جهان منجمله در شهرهای ایتالیا در اواخر سال 2015، پاندمی ویروس جدید کرونا (کووید-19) از سال 2019 الی 2021، تشدید و تسری بحران کم آبی و خشکسالی از جمله در کشورهای خاورمیانه، وقوع باران‌های سیل‌آسا و مخرب در بسیاری از نقاط جهان

1.Risk
2.Bopal
3.Exon Valdez
4.Ebola

مانند قاره اروپا 2021، آتش سوزی جنگل‌ها در اقصی نقاط جهان مانند جنگل‌های آمازون در برزیل و کالیفرنیا ای آمریکا سال‌های 2015 الی 2021 و ده‌ها و صدها نمونه دیگر نشان از آن دارد که مخاطرات محیطی اغلب بشر ساخته، خصلت جهانی - محلی پیدا کرده‌اند و هیچ فرد، شهر، منطقه و کشوری را از آن‌ها در امان نیست.

لذا گریز از مخاطرات محیطی و مقابله با آن‌ها به امری خطیر و حیاتی برای انسان‌ها در مقیاس‌های خرد و کلان در آمده است. در نتیجه بازشناسی و تحلیل کم و کیف مخاطراتی که خود را در ساحت‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فنی نشان می‌دهند و نیز مدیریت و کاهش هزینه‌های مترتب بر آن‌ها عرصه‌ای مهم و ضروری برای حوزه پژوهش‌های مخاطره است.

بیان مسئله

هر چند جهان مدرن و دنیای شهری شده امروز دستاوردهای فراوانی را برای رفاه بشر به ارمغان آورده است، اما مولد و ایجاد کننده خطرات پُرشماری شده است که آثار و تبعات آن به طور فزاینده بر پیکر انسان، طبیعت و زیستگاه کره زمین وارد می‌شود. ظرف چند قرن اخیر به ویژه از قرن بیستم به این سو عامل اصلی تهدیدکننده جوامع بشری تأکید بیشتر بر رشد صنعت، پیشرفت‌های فنی و علمی پُر شتاب، تشدید عقلانیت ابزاری⁵ و مدرن‌سازی اقتصادی بوده است. عمل انسانی و انباشتگی ثروت و توسعه تجاری و موفقیت‌های اقتصادی خاصه در دوره اخیر حکایت از قابلیت‌های صنعتی نوع بشر و دخل و تصرف و بهره‌وری هرچه فزون‌تر از طبیعت و منابع طبیعی دارد. این قابلیت‌ها در عین حال نیروهای مخرب و مهیبی را گرد آورده و انسان عصر کنونی را با مخاطرات و بلایای وخیمی مواجه ساخته است (بک، 1992). نیروهایی در جامعه بشری و به دست انسان بر ساخت شده که از هر سو ما را با قدرت غیر قابل کنترل‌شان به محاصره گرفته و مقهور و هراسناک ساخته است. قدرت سازندگی انسان به شکل دم افزونی عدم اطمینان و ناامنی او را رقم زده است (لاپتون⁶، 1380: 302-301). بشریت امروز غرق در توانایی‌های تکنولوژیک و فن سالارانه خویش، بیش از پیش خود ویرانگر، طبیعت ویرانگر و زمین ویرانگر گشته است. این مخاطرات امروزه به

5. instrumental Rationality

6. Lupton

حدی رسیده است که «اولریش بک»^۷ از جهان مخاطره‌آمیز و «آنتونی گیدنز» از گردونه خُرد کننده مدرنیته سخن گفته‌اند (ریتزر^۸، 1393 : 742-743 و ریتزر 1392 : 205-201). به تعبیر «بک» ما آدمیان عصر حاضر در جهانی «ریسک سرشت» زندگی می‌کنیم که آکنده از عدم قطعیت‌ها^۹ و تهدیدهای بشرساخته است (بریکول^{۱۰}، 1393:7).

به بیانی ویژگی زندگی اجتماعی معاصر، میزان بی‌سابقه‌ای از مخاطرات خواسته و ناخواسته‌ای است که ریشه در عملکرد انسان و رشد و توسعه شتابان صنعتی دارند. امروز ارواح عدم قطعیت‌ها بیدار شده‌اند و راه را بر مخاطرات تشدید یافته گشوده‌اند، به وجهی که بسیاری از آن‌ها نظیر آلودگی‌های زیست محیطی، آلودگی‌های مواد غذایی و آب‌های آشامیدنی و زراعی، آلودگی‌های هوا و ریزگردهای موجود در جو زمین، فرسایش خاک، خطرات شیمیایی و هسته‌ای و تشعشعات رادیواکتیو، بازگشت و شیوع برخی از امراض مسری و ده‌ها تهدید دیگر هر دم گسترش یافته و پیامدهای ناگواری را بر زندگی بشر تحمیل می‌کنند (قاسمی، 1388:33).

از این رو جوامع انسانی، امروز بیش از پیش جهت اقدام عملی مؤثر در مقابل جهان پُر ریسک، نیازمند کسب آگاهی و بازاندیشی از سوی شهروندان، کنشگران زیست محیطی و متخصصان هستند. (بک، گیدنز، لاش^{۱۱}، 1994). آگاهی از این که ریسک‌هایی هستند که محاسبه‌پذیرند (ریسک‌های خارجی^{۱۲}) و ریسک‌هایی که بشر ساخته‌اند، اما خطرناک و ناپیدایند، به طوری که ما به وجود آن‌ها آگاه نیستیم و پیامدهای ناخواسته دارند (ریسک‌های برساختی^{۱۳}). از این رو مطالعه مخاطرات محیطی در وجوه ادراکی و کنشی بدین سبب اهمیت دارد که کم و کیف ادراکات و شیوه مواجهه با آن‌ها در ایجاد فاجعه‌ها و آسیب‌ها نقشی اساسی دارند. به طوری که از یک سو ادراک ضعیف و کنش منفعل، مخاطرات محیطی را بیشتر به

7.Ulrich Beck

8.Ritzer

9.Uncertainties

10.Breakwell

11.Jash

12.External Risks

13.Construction Risks

حیطه عدم قطعیت‌های ناشناخته انداخته و آسیب و فاجعه به بار می‌آورند. از سوی دیگر میزان ادراک قوی و کنش فعال در برابر آن‌ها می‌تواند نرخ فجایع محیطی را کاهش دهد.

خصوصیات بنیادی خطر به عنوان محصول اجتناب ناپذیر «توسعه فنی و اقتصادی» تنها مربوط به کشورهای توسعه یافته نیست، بلکه صدمات «بد» حاصل از محصولات «خوب» صنعتی شدن، سرزمین‌های دیگری را ناشی از فرآیند «جهانی شدن»^{۱۴} در بر گرفته است. سرزمین‌هایی که خود در حال توسعه صنعتی^{۱۵} هستند و یا فراهم کننده منابع طبیعی می‌باشند؛ همگام با اثرات متعاقب اجتماعی و زیست محیطی^{۱۶} به این فرآیند سوخت می‌رسانند. همان طور که جامعه صنعتی در سراسر جهان گسترش می‌یابد، کلاف در هم پیچیده‌ای از مخاطرات را تولید می‌کند. بنابراین مخاطرات امروزین مرز نمی‌شناسد و با گذر از مرزهای ملی تبدیل به مسائل جهانی می‌شوند (بک، 1992).

شهر بزرگ تهران حاصل رشد شتابان و ناهمگون شهرنشینی در فضای ملی و بین‌المللی طی چند دهه اخیر است. این فضای قطبی شده و نامتوازن شهری در روند رشد عنان گسیخته، غول آسا و مصنوع خود با مخاطرات فزاینده و عدیده‌ای مواجه شده است و شرایط نامطمئنی را بر زندگی ساکنانش تحمیل کرده است. این کلان شهر با مخاطرات متعدد و رو به گسترش مانند خطر وقوع زلزله، فرونشست زمین، افزایش آلاینده‌ها و ریزگردها، کمبود آب، آلودگی آب، تخریب باغات، خطر طوفان‌ها و سیلاب‌ها، آلودگی مواد غذایی، بحران و انباشت زباله، ترافیک سنگین و آلودگی صوتی و ده‌ها معضل پُرخطر دیگر دست به گریبان است که با حیات و تداوم زندگی سالم و سلامت و بهداشت شهروندانش پیوندی بلافصل و بی چون و چرا دارد.

به بیان دیگر تهران امروز شهری است خطرزا و برای شهرنشینان خطرزی که در تار و پودش امنیت و آرامش رو به افول می‌رود و ساکنانش را در جرم انباشتی مخاطرات می‌افکند. این شهر به ماشین غول پیکر، بد ترکیب و پُرمصرف و غیر قابل کنترلی تبدیل شده است، که هر دم گوشت و پوست و جان و روان

14. Globalization

15. Industrial Development

16. Ecological

ساکنانش را بسان خُوره می خُورد و به هراس و بیم می اندازد. شهری که همگام با رشد شتابان خود، کرانه هایش را می بلعد و ضمیمه تخریب و مخاطره می کند.

گرچه نقش رویکرد، ساختار و عملکرد دولت و مدیریت شهری در تشدید یا کاهش مخاطرات محیطی شهر تهران پُر رنگ و غیر قابل انکار است؛ اما طرز تلقی و نحوه مواجهه شهرنشینان نسبت به موقعیت های خطر اهمیتی هم سنگ با آن دارد و بر نگرش و عملکرد تصمیم گیران دولتی و شهری نیز اثر گذار است. به عبارتی کم و کیف ادراکات شهرنشینان ضمن آن که در چگونگی رویارویی با مخاطرات محیطی مؤثر است، بی تردید سیاست ها و برنامه های دولت و مدیریت شهری را در این حوزه تحت الشعاع قرار می دهد و بر آن تأثیر می گذارد. از این رو مطالعه و پژوهش در باب ادراک خطر لازم و ضروری است.

ماهیت موضوع و ویژگی های مسئله ایجاب می کند که پژوهش رویکرد کیفی^{۱۷} از حیث روش شناسی اتخاذ کند. چنین رویکردی امکان می دهد از منظر تفسیری^{۱۸} به موضوع ادراک مخاطرات محیطی در شهر تهران پرداخته شود. در رهیافت تفسیری در پی آن است که نخست دریابد از دید سوژه های مطلع^{۱۹} (فاعلان شناسایی) منظور از ریسک (مخاطره) چیست؟ و اهم مخاطرات محیطی در شهر تهران مشتمل بر چه صُوری است؟ دوم این که سوژه های مطلع چه برداشتی از ادراک شهرنشینان از مخاطرات محیطی شهر تهران دارند؟ سوم این که مطلعین چه شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط میانجی، کنش های راهبردی مقابله ای و پیامدهایی را حول برداشت شان از ادراک شهرنشینان در باب مخاطرات مزبور متصور هستند؟

تعریف مخاطرات محیطی

مخاطرات محیطی^{۲۰} به آن دسته از خطرات بالقوه و احتمالی اطلاق می شود که در صورت وقوع یا استمرار، آسیب زننده و یا فاجعه بار هستند و پیامدهای نامطلوب بر انسان ها وارد خواهند ساخت. اغلب این ریسک ها انسان ساخت هستند و در نتیجه دخالت نابجای آدمیان بر طبیعت، دست کاری های بیولوژیک فعالیت های صنعتی و یا فرآوری سازی های شیمیایی و در اثر رابطه ناپایدار جوامع انسانی با محیط زیست تولید شده اند.

17. Qualitative Approach
18. Interpretative
19. Informed Subjects
20. Environmental Risks

تداوم یا وقوع این خطرات می‌توانند بر اندام‌ها و سیستم‌های حیاتی انسان‌ها و محیط‌زیستی که در آن به سر می‌برند، صدمات جبران‌ناپذیر وارد کرده و منجر به تلفات جانی و خسارات مالی و انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری و صدمات جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی شوند. ریسک‌هایی (مخاطراتی) که از یک سو ممکن است از قوه محاسبه فنی بگریزند و مشمول عدم قطعیت‌های ناشناخته و ناخواسته شوند، به طوری که قادر به تشخیص آن‌ها نبوده و یا نتوان در برابرشان کنش فعال و مؤثری انجام داد و تنها هنگام حدوث و پیامدهای زیان‌بارشان آشکار شوند (توسلی و ودادهیر، 1387: 28-26؛ کمشال^{۲۱}، 1391: 32). از سوی دیگر ریسک‌ها ممکن است قبل از وقوع و تبعات ناگوارشان به انتظار و ادراک درآیند و شهروندان بتوانند با خرد مردمی و عقلانیت اجتماعی با اقدامات مؤثر و همکاری با خرد علمی و عقل فنی از پیش‌آمدنشان جلوگیری کنند و یا عواقب‌شان را تحت کنترل درآورند (پک، 1996). ریتیچینی رات^{۲۲} (2013) به احتمال فاجعه‌هایی مانند سیل، زلزله، و تغییرات آب و هوایی و آلودگی‌ها و امثالهم ریسک‌هایی محیطی اطلاق می‌کند که ممکن است بشرساخته یا طبیعی و یا از اندر کنش انسان و طبیعت حاصل آمده باشند.

پرسش‌های پژوهش

- از دید سوژه‌های مطلع، مفهوم ریسک (مخاطره) چه ابعاد و ویژگی‌هایی دارد؟
- اهم مخاطرات محیطی شهر تهران از نظر سوژه‌های مطلع کدامند؟
- چه مفاهیم و مقولاتی از برداشت سوژه‌های مطلع درباب ادراک شهرنشینان از مخاطرات محیطی شهر تهران استهفام می‌شود؟
- سوژه‌های مطلع چه شرایط علی، میانجی و زمینه‌ای را حول برداشت‌شان از ادراک شهرنشینان درباب مخاطرات محیطی شهر تهران مترتب هستند؟
- سوژه‌های مطلع چه برداشتی از کنش‌های راهبردی شهرنشینان در مواجهه با مخاطرات محیطی شهر تهران متصور هستند؟

21.Kemshal

22.Rittichainuwat

- از منظر سوژه‌های مطلع، پیامدهای حاصل از کنش‌های راهبردی مواجهه شهرنشینان تهرانی در باب مخاطرات محیطی مشتمل بر چه ابعاد و عناصری است؟

- پدیده مرکزی (سازه مفهومی ادراک شهرنشینان از مخاطرات محیطی) مأخوذ از مطالعه اکتشافی چیست؟ و مشتمل بر چه مفاهیم و مقولاتی است؟

- چه مدل پارادایمی حاصل از مطالعه اکتشافی در باب برداشت مطلعین از ادراک شهرنشینان درباره مخاطرات محیطی شهر تهران قابل ارائه است؟

ادبیات مفهومی مخاطره

در این تحقیق به دلیل ماهیت کیفی پژوهش، مرور نظریه‌های مخاطره نقش مبنایی ندارند و نقطه عزیمت نیستند، بلکه نقش ارجاعی و تفسیری دارند و به عنوان لنز و چشم انداز پژوهش عمل می‌کنند و برای افزایش حساسیت مفهومی در فرآیند پژوهش به کار می‌روند. ریسک (مخاطره) در چند دهه اخیر از انحصار دانش تخصصی علوم پایه و مهندسی که فقط با ابزارهای فنی آن را تخمین می‌زنند، خارج گردیده و پا به عرصه علوم اجتماعی و انسان‌شناسی نهاده است (بریکول، 1393 : 3). به بیانی صرف نظر از رویکرد دانش تخصصی علوم پایه و فنی که تنها از منظر ارزیابی محاسباتی و عدم قطعیت‌های خارجی و عینی به موضوع ریسک می‌نگرند، نظریه‌پردازی در حوزه ریسک و بحران‌های زیست‌محیطی از اواخر دهه 1970 به این سو مورد توجه علوم اجتماعی قرار گرفت. در اینجا اهم نظریه‌های حوزه علوم اجتماعی درباره ریسک و مخاطرات محیطی بیان می‌شود.

روان‌شناسی ادراکی مخاطره

روان‌شناسی ادراکی ریسک توسط اسلوویک^{۲۳} و همکارانش فیشهوف^{۲۴} و لیختنشتاین (1979، 1982) در سطح روان‌سنجی شناختی اثباتی مطرح شد. در روان‌سنجی شناختی ریسک، ادراک فرد از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. متغیرهایی مانند احتمال خطر ادراک شده، شدت خطر و پیامدهای ادراک شده، قابلیت کنترل ادراک شده، خود توانایی ادراک شده، خوش‌بینی نسبی ادراک شده مورد سنجش و بررسی

23.Slovic
24..Fischhoff

کمی قرار می‌گیرد و به آزمون‌های تجربی گذاشته می‌شود. در این رویکرد ریسک عبارت است از قضاوت ذهنی و ارزیابی عقلی فرد از احتمال، شدت و پیامدهای ادراک شده خطرات رو به آینده که با ابزارهای تجربی قابل اندازه‌گیری و محاسبه است (دنی، 1393: 23-16؛ عسگری زاده و همکاران، 1396: 58).

دنی (1395) و بریکول (1393) از قول اسلوویک گزارش می‌دهند که نیاز به تخمین روان‌سنجی فردی ریسک‌ها جهت به کارگیری در تصمیم‌گیری‌های مدیریت بحران‌ها و فوریت‌ها و فعالیت‌های نهادهای سیاستی ریسک مانند تدوین و اجرای برنامه‌های ارتقای دانش و مهارت‌های مقابله، خودکارآمدی فردی، مخایره ریسک و تعاملات رسانه‌ای و بهبود فرهنگ ایمنی ضروری و لازم است (دنی، 1393: 15).

نظریه اجتماعی سبز (واقع‌گرایی زیست‌محیطی)

نظریه اجتماعی سبز²⁵ به وسیله پیتر دیکنز²⁶ (1992) مطرح شد. او تئوری خود را بر پایه واقع‌گرایی انتقادی²⁷ قرار داده است (اروین²⁸، 1393: 30). وی از شیوه تحلیل دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی مارکس و انگلس به منظور بررسی رابطه جامعه و طبیعت الهام گرفته است. از نظر دیکنز، طبیعت با بدن انسان پیوسته است و نمی‌توان طبیعت را جدای از انسان‌ها تلقی کرد (همان: 44-43). در این دیدگاه بر پایان دوگانگی بین انسان و طبیعت تأکید می‌شود. محیط اجتماعی قلمرو جدا از محیط طبیعی نیست و این دو به هم متصل هستند.

از نظر واقع‌گرایی انتقادی، مسائل و مخاطرات زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی آب و هوا و مخاطرات غذایی کاملاً عینی و واقعی هستند و وظیفه جامعه‌شناسی، تبیین علل اجتماعی بحران‌ها و مخاطرات محیطی است (همان: 36) و باید به دنبال شناسایی سازوکارهای علی درون جامعه و ریشه‌های اجتماعی پس‌پشت شواهد ظاهری و فنی خطرات محیطی بود. به بیان دیگر ریسک‌های محیطی به طور واقعی وجود دارند و می‌توان از یک سو آن‌ها را با بهره‌گیری از علوم طبیعی و روش‌ها و فنونی که عرضه می‌کنند، مورد شناسایی تجربی قرار داد و مکانیزم‌ها، ساختارها و علل طبیعی‌شان را روشن کرد و از سوی

25.Green Social Theory

26.Dickens

27.Critical Realism

28.Irwin

دیگر با گذرکردن از لایه سطحی شواهد عینی با اتخاذ رهیافت پس‌کاوی و روش دیالکتیکی در پی کشف ساختارهای عمیق و نهفته اجتماعی ایجاد کننده آن‌ها برآمد (اروین، 1393: 45؛ ساتن، 1393: 65).

در نظریه اجتماعی سبز، تحلیل بوم‌شناختی بر محور زیست‌محیط انسان‌گرا- طبیعت مدار می‌چرخد. این تحلیل با عنوان «پارادایم بوم‌شناختی جدید»²⁹ چشم‌انداز نوینی را در پیوند بوم‌شناسی انسانی و بوم‌شناسی طبیعت ارائه می‌کند (اروین، 1393: 44-41؛ بری³⁰، 1380). در این پارادایم شکافی بین جامعه و زیست‌بوم وجود ندارد. بشر از قوانین طبیعی حاکم بر سایر موجودات مبرا نیست. انسان و جامعه انسانی را نباید استثنایی انگاشت که از موجودات دیگر متفاوت و از محدودیت‌های طبیعت معاف است و هرچه بخواهد بر طبیعت و محیط زیست روا دارد، ولی از پیامدهای آن در امان نباشد (همان: 45-42). بهره‌برداری بی‌ملاحظه از طبیعت و تخریب آن و همچنین دستکاری‌های انسان بر طبیعت به طور واقعی مخاطراتی را بر جوامع انسانی و محیط‌زیست تحمیل کرده و موجودیت آدمی و طبیعت را به مخاطره افکنده است. بنابر این آدمی باید بر محدودیت‌های طبیعت و مخاطراتی که بر خود و محیط زیست خویش وارد می‌کند؛ به طور واقعی واقف و آگاه گردد (ساتن، 1393: 71-65).

نظریه اجتماعی سبز طیف وسیعی را در برمی‌گیرد که یکی از شاخه‌های آن اکومارکسیسم³¹ است. از دیدگاه اکومارکسیسم ریشه مسائل و خطرات زیست‌محیطی در نظام سرمایه‌داری نهفته است. سازوکارهای آکنده از بهره‌کشی بی‌حد و حصر از منابع طبیعی در نظم سرمایه‌داری وجود دارد که با هدف به حداکثر رسانی سود صورت می‌گیرد. در رشد بحران و تخریب زیست‌بوم نه تنها سرمایه‌داران بلکه دولت‌ها نیز نقش دارند. سلطه انواع سرمایه‌داری (خصوصی و دولتی) بر طبیعت و کالایی دیدن آن منجر به نوعی تولید کسب و کارانه شده که به واسطه سود و ایجاد نیازهای کاذب، جامعه و افراد بشری را دچار بیگانگی³² از اکوسیستم³³ کرده است و در نتیجه هم بر طبیعت و هم بر حیات جامعه آسیب‌های فراوان وارد کرده است

29. The New Ecological Paradigm

30. Berry

31. Eco-Marxism

32. Alienation

33. Ecosystem

که پیامدهای منفی آن مانند تغییرات اقلیمی و آلودگی محیط زیست هر دم نمایان تر می شود (هانینگان^{۳۴}، 1393: 21؛ صالحی و پازوکی نژاد، 1396: 48-51).

* نظریه فرهنگی مخاطره

مری داگلاس^{۳۵} انسان‌شناس اجتماعی و ارون ویلداوسکی^{۳۶} متخصص علوم سیاسی مطرح کردند که چرا مردم برخی از خطرات را با اهمیت تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را نادیده می‌گیرند؟ آن‌ها پاسخ را در متن فرهنگ پی‌گیری می‌کنند و از منظر فرهنگ به ریسک و خطر می‌نگرند (هانینگان، 1393: 226). به نظر آنان ریسک ماهیت عینی و قابل سنجش ندارد، بلکه آنچه در یک اجتماع بشری، مخاطره‌آمیز است که از دید آن اجتماع خطر محسوب شود. اجتماعات بشری برای دفاع از خود و طریقه زندگی خود بر می‌گزینند که از چه چیزهایی بهراسند و با این شیوه به انتظام اجتماعی و فرهنگی خویش قوام می‌بخشند. مردم هر اجتماع انسانی نگران خطراتی هستند که ترتیبات ارزشمند اجتماعی و فرهنگی‌شان را تهدید کند. مخاطره، یک خُرده نظام درکلان سیستم فرهنگی است. ادراک از مخاطره ریشه در بن‌مایه‌های فرهنگی هر جامعه و یا هر اجتماع بشری دارد (بریکول، 1393: 117-116؛ دنی، 1393: 27). بنابر این مخاطره در زمان و مکان‌های اجتماعی به صور فرهنگی ساخته می‌شود و اولویت‌های ریسک بستگی به نوع فرهنگی دارد که مردم در آن زندگی می‌کنند.

داگلاس و ویلداوسکی نتیجه می‌گیرند که مخاطرات بیشتر از طریق روابط فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند و کمتر بر اساس شواهد علمی و برآورد فنی احتمال وقوع خطر قرار دارند. بنابر این هیچ یک از تعاریف ریسک فی‌نفسه درست نیستند، بلکه همگی سوگیرانه‌اند. به نظر آنان لنزهای قدرتمند فرهنگی خطراتی را برجسته می‌کنند و خطراتی را کم تر جلوه می‌دهند و یا خطر را تصور نمی‌کنند و لذا ادعای واقعیتِ خطر را انکار می‌کنند و بدین ترتیب به سوی نسبی‌گرایی مطلق و نسبیت فرهنگی^{۳۷} در فهم خطر گرایش دارند (هانینگان، 1393: 229-227).

34. Hannigan
35. Mary Douglas
36. Aron Wilddvsky
37. Cultural Relativity

برساخت‌گرایی اجتماعی مخاطره

جان هانیگان از طرفداران نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی ریسک و مخاطرات زیست‌محیطی است. به نظر برساخت‌گرایان مشکلات زیست‌محیطی به صورت اجتماعی در میان ذهنیت افراد جامعه ایجاد و ساخته می‌شوند. این فرآیند ساخت‌یابی در جوامع مختلف به صور متفاوتی تفسیر شده و تجلی می‌یابد (ساتن، 1393: 56).

در این دیدگاه، انسان‌ها به جهان و طبیعت معنا می‌بخشند و جهان بدون بشر و تفاسیر آدمیان بی‌معناست. خطرات و مشکلات زیست‌محیطی و ادراکشان نیز حاصل فرآیند پویایی، تعریف و مشروع‌سازی اجتماعی است. بنابراین هیچ ادعایی در باب مخاطرات محیط‌زیستی بر ادعای دیگر، امتیاز و برتری ندارد. به طوری که همه دعاوی خطر از مشروعیت برخوردار هستند (هانیگان، 1393: 66-71).

این طرز تلقی نوعی پساساختارگرایی است به وجهی که مخاطرات زیست‌محیطی را چیزی جز بازی‌های زبانی در نظر نمی‌گیرد. از نظر برساخت‌گرایان به جای یک واقعیت عینی ساده، گستره‌ای از معانی و تفاسیر اجتماعی متکثر در باب مخاطرات محیطی وجود دارد. لذا خطرات زیست‌محیطی را نمی‌توان جدای از تفاسیر اجتماعی و کشمکش‌ها و ادراکات فرهنگی مورد بررسی قرار داد. به طوری که در برخی از افراد انواعی از مخاطرات اهمیت فوری و فوری می‌یابند و همان مخاطرات نزد برخی دیگر بی‌اهمیت تلقی می‌شوند (اروین، 1393: 40-50). از این منظر، مخاطرات به طور واقعی وجود ندارد و ادعای دانش در این مورد پوچ است. از این رو برساخت‌گرایان ریسک بر نسبیّت‌گرایی معرفتی تأکید دارند (همان: 222).

بوم‌شناسی ژرف شاخه‌ای از برساخت‌گرایان ریسک هستند. بوم‌شناسی ژرف برای طبیعت ارزش ذاتی قائلند، از منظر آنان طبیعت به خودی خود ارزشمند است، هرچند تفاسیر متعدد از مشکلات و خطرات زیست‌محیطی وجود داشته باشد. برساخت‌گرایان ریسک بر مسئولیت‌پذیری فردی جهت حفاظت از محیط‌زیست پای می‌فشارند. آنان برای کاهش مخاطرات زیست‌محیطی بر تغییر سبک زندگی شخصی و الگوهای ذهنی افراد اصرار می‌ورزند (ساتن، 1393: 205).

نظریه جامعه مخاطره

اولریش بک جامعه امروز را جامعه ریسک می بیند که خطرات پنهان و آشکار، به مسئله اساسی آن تبدیل شده است. جامعه‌ای که از مدرنیته اول (صنعتی شدن کلاسیک) پا به عرصه مدرنیته دوم (مدرنیته بازتابی)^{۳۸} و بازاندیشانه^{۳۹} گذاشته است. مدرنیته اول، مدرنیته‌ای در سطح ملی و چالش‌هایش بر سر توزیع ثروت بود، اما مدرنیته دوم، مدرنیته‌ای جهان وطن و چالش‌هایش بر سر توزیع خطر است (هانینگان، 1393 : 49-50). مدرنیته دوم با این که محصول و پیامد مدرنیته اول است، اما خود نشان‌دهنده مدرنیته‌ای عمیق‌تر و واجد خصلت‌های متمایزی مانند ریسک‌های بشر ساخته، وقوع فجایع ناشی از ریسک‌های انسان ساخت، تشدید فردگرایی، قطعیت‌های متناقض علمی و بازتابی شدن عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی است (بک، 1388 : 42-8).

به نظر بک فرآیند صنعتی شدن، پیشرفت‌های علمی - فنی شتابان و تأکید بر عقلانیت ابزاری در دو قرن اخیر، عوارض غیر منتظره و ناگواری به همراه داشته است که در چند دهه اخیر اثرات آن را می‌توان در خطرات آشکار شده زیست‌محیطی مانند پیامدهای ناگوار ناشی از تغییرات اقلیمی و آلودگی‌ها به عیان مشاهده کرد (کسلر^{۴۰}، 1394:362). از دید بک ظهور عدم قطعیت‌ها و ریسک‌های ناشناخته بشر ساخته و آشکار شدن‌شان به شکل فجایع روز افزون به نیروی مسلط جامعه متأخر^{۴۱} مبدل شده است. ریسک‌ها و مخاطراتی که احتمال به وقوع پیوستن‌شان از دسترس آگاهی، ادراک، پیش‌بینی پذیری و کنترل می‌گریزند (بک، 1397 : 50). ورود به عصر آکنده از ریسک، تنها بازنمای ناآگاهی از خطرات ناشناخته نیست، بلکه تلاش و حرکت جوامع مدرن به سوی بازاندیشی^{۴۲} نسبت به عملکرد و فعالیت‌های انسان و تردید نسبت به قطعیت‌های علمی است که منجر به پیامدهای منفی مانند فجایع محیط‌زیست شده است. به طوری که این جوامع سعی دارند با خودانتقادی و باز اقدامات عملی، مخاطرات را به کنترل و مهار مجدد در آورند (یوسفوند و مرادی‌نژاد، 1397 : 71-73). آگاهی بازاندیشانه‌ای که مردمان هر آینه به این ادراک می‌رسند

38. Reflective Modernity

39. Reflexive

40. Keasler

41. Late society

42. Reflexivity

که در جامعه‌ای مخاطره‌آمیز زندگی می‌کنند و لازم است در مقابل خطرات پیش رو هوشیار بوده و مدام دست به اقداماتی مسئولانه و بازنگرانه‌ای بزنند. بنابر این جامعه ریسک با مفاهیم مدرن‌سازی بازاندیشانه^{۴۳} و فرهنگ بازاندیشانه^{۴۴} گره خورده است (بک، 1397: 31-33) به طوری که ریسک را می‌توان روشی نظام‌مند در برخورد با خطرها و ناامنی تعریف کرد که در اثر مدرن‌سازی تولید شده است و با بازاندیشی امکان بازساخت و کنترل آن فراهم می‌شود (همان: 48). بدین سان ریسک‌ها از یک سو شامل عدم قطعیت‌هایی می‌شود که احتمال وقوع شان از چنگ انتظار و ادراک می‌گریزند و از سوی دیگر تلاش می‌شود به انتظار و تصور بازاندیشانه و بازنگرانه در آیند و در جهت کنترل آن‌ها اقدام فعال صورت گیرد (صادقی و پازوکی‌نژاد، 1396: 57-58 به نقل از کوران^{۴۵}). با این حال در عصر جامعه ریسک هر چقدر هم سعی می‌شود که مخاطرات را به ادراک در آورده و احتمال وقوعشان را پیش‌بینی کنیم، باز هم مخاطرات (ریسک‌های) ناشناخته‌ای هستند که از دسترس شناخت ما دور می‌شوند و نمی‌توانیم آن‌ها را کنترل کنیم. بدین ترتیب عصر مخاطره و مدرنیزاسیون بازتابی صرفاً مشتمل بر آگاهی (دانش) بیشتر نیست، بلکه عصر ناآگاهی و عدم قطعیت‌های ناشناخته افزون‌تری است. عصری که دانستن و ندانستن، دانش بیشتر و ناآگاهی بیشتر در هم آمیخته می‌شوند و ماهیت جامعه مخاطره و مدرنیته بازتابی را سازمان می‌دهند (بک، 1388: 175). در مدرنیته بازاندیشانه (بک، 1996)، خرد محاسباتی علمی نفی نمی‌شود، بلکه خرد علمی (دعاوی دانش) با خرد اجتماعی (خرد مردمی)، تعاملی سازنده یافته و در جهت بازسازی رابطه انسان و طبیعت قرار می‌گیرند. عقلانیتی متکثر که با بازاندیشی و اتخاذ کنش معطوف به ریسک، امکان ادراک و مهار خطرات ناپیدا را فراهم می‌آورد. (بک، 1388: 184-193).

برخی از صاحب‌نظران مانند لاپتون^{۴۶}، نظریه جامعه ریسک را در توصیف و تبیین مخاطرات بشر ساخته، رویکردی واقع‌گرا (رنالیستی) دانسته که در آن فرآیندهای فرهنگی و اجتماعی میانجی ادراک ریسک‌ها قرار می‌گیرند (لاپتون، 1380: 294-295). برداشتی عینی و در عین حال برداشتی بین

43. Reflexive Modernization

44. Reflexive Culture

45. Curran

46. Lupton

الاذهانی نسبت به خطرات انسان ساخت، که از یک سو از عینیت محض (واقعیت‌گرایی خام) به سبب لحاظ نکردن تفاسیر فرهنگی فاصله می‌گیرد، اما آن را یکسره مردود نمی‌شمارد و از سوی دیگر از ذهنیت محض (برساخت‌گرایی سخت^{۴۷} یا قوی) نیز به دلیل نسبی‌گرایی فرهنگی دوری می‌جوید، اما الگوهای تفسیری و خرد ادراکی مردم و گروه‌های اجتماعی را در فهم بازاندیشانه و اقدام بازنگرانه نسبت به ریسک‌ها وارد می‌کند. رویکردی که آن را برساخت‌گرایی ضعیف (برساخت‌گرایی نرم^{۴۸} یا برساخت‌گرایی انتقادی^{۴۹}) می‌دانند (لاپتون، 1380: 295-296؛ پک، 1397: 121-116). پک به صراحت می‌گوید: «من می‌توانم با بهره بردن از واقع‌گرایی و برساخت‌گرایی تا جایی که این فرا روایت‌ها به منظور درک سرشت پیچیده و مبهم مخاطره در جامعه جهانی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم مفید باشند، هم واقع‌گرا و هم برساخت‌گرا باشم» (پک، 1388: 204). پک از یک طرف سیاره زمین را در معرض مخاطرات عینی و فزاینده می‌داند و از طرف دیگر ریسک‌ها را سازه‌ای اجتماعی و ادراکی تلقی می‌کند. وی سعی در تلفیق واقع‌گرایی علمی و برساخت‌گرایی اجتماعی ریسک دارد و آن را رویکرد جامعه‌شناختی می‌نامد (لاپتون، 1380: 296). این تلفیق او را در پارادایم واقع‌گرایی بازاندیشانه^{۵۰} جای می‌دهد که در آن عقلانیت علمی^{۵۱} در پیوند و تعامل دائمی با شبکه گفت و گوی بی پایان، سیال و دیالکتیکی عقلانیت اجتماعی^{۵۲} عام قرار می‌گیرد (یوسفوند و مرادی‌نژاد: 1397: 77-55) و از این طریق با جذب ویژگی‌های خود انتقادی و بازاندیشی تشدید یافته در جهت ادراک، بازشناسی و کنترل مخاطرات گام‌های اثربخش بر می‌دارد. (پک، 1397: 338).

پک در حل بحران‌ها و خطرات زیست‌محیطی بر مفهوم آگاهی بوم‌شناسی^{۵۳} تأکید دارد (هانینگان، 1393: 54). در آگاهی بوم‌شناسی، طبیعت جدای از جامعه نیست، به طوری که به فراسوی دو گانگی طبیعت و جامعه راه می‌برد. امروز به مرحله‌ای رسیده‌ایم که مسائل زیست‌بومی نه صرفاً مربوط به محیط زیست، بلکه به عنوان مسائلی دیده می‌شوند که با دنیای اجتماعی پیوند دارند (پک، 1388: 47-41).

47. Hard Constructivism
48. Soft Constructivism
49. Critical Constructivism
50. Reflexive Realism
51. Scientific Rationality
52. Social Rationality
53. Ecological Consciousness

بدین سان در آگاهی بوم‌شناسی، جامعه و طبیعت از درون به هم تنیده‌اند و به یکدیگر تعلق دارند. در عصر مخاطره جهانی، سیاست بوم‌شناسی از انحصار دولت‌ها، قواعد نظام‌های سیاسی رسمی و فن‌سالاری ملی خارج می‌شود و به اردوگاه شهروندی جهانی- محلی، جنبش‌های جهان وطنی، کنشگران فراملی و احزاب و شبکه‌های بوم‌شناختی جهانی و سازماندهی جامعه از پایین کشیده می‌شود و میدانی را برای گفتگو و کنش مؤثر حول مسائل محیط‌زیست و خطرات بوم‌شناختی جهت پیشبرد مدرنیزاسیون بوم‌شناسی بازاندیشانه^{۵۴} در سطح جهانی- محلی فراهم می‌کنند (یک، 1397: 351-357؛ یک، 1388: 52-47).

جامعه مخاطرات تولید شده

به نظر آنتونی گیدنز، ریسک در جوامعی ظهور پیدا می‌کند که به آینده و تسخیر آن نظر دارد. در مدرنیته اول (مدرنیته صنعتی)، ریسک‌ها صرفاً جنبه محاسباتی و فنی داشت. به طوری که عدم قطعیت‌ها خصلت عینی و خارجی داشتند و قابل شناسایی و ارزیابی کمی بودند. در مدرنیته اول تنها دانشمندان و متخصصان فنی دست اندرکار دانش مخاطره بودند و استانداردهای مقابله با آن را عرضه می‌کردند. مردم نیز با اطمینان و اعتماد به ارزیابی‌های آنان می‌نگریستند و روش‌ها و تمهیدات کنترلی آنان را می‌پذیرفتند (گیدنز، 1395: 59-57؛ گیدنز، 1378: 161-160). کلیه نظام‌های بیمه، خدمات درمانی و هم چنین دولت‌های رفاه اروپایی در زمره ریسک‌های محاسباتی و عینی قرار داشتند.

در مدرنیته دوم (مدرنیته متأخر)، بسیاری از عدم قطعیت‌ها از حوزه محاسبه بیرون آمدند و در حیطه عدم قطعیت‌های تولید شده قرار می‌گیرند. گیدنز این مخاطرات را ریسک‌های برساختی^{۵۵} اطلاق می‌کند که نتیجه فعالیت‌های صنعتی و فن‌آوری و محصول دخالت بشر در طبیعت بشر طی دو سده اخیر بوده و منشاء درونی و انسان ساخت دارند. ریسک‌های تغییرات اقلیمی و گرم شدن فزاینده زمین از جمله آن‌ها محسوب می‌شوند (گیدنز، 1395: 60-58). به نظر گیدنز، مدرنیته متأخر خصلت بازاندیشی پیدا کرده است. همه چیز در مدرنیته متأخر در معرض بازاندیشی تشدید یافته قرار دارد و حس فراگیری از عدم قطعیت ما را در برمی‌گیرد. (گیدنز، 1395: 52).

54. Reflexive Ecology
55. Construction Risks

می‌آورد و از طرف دیگر «تصور خطر و ناامنی» را پدید می‌آورد. بدین سان مدرنیته متأخر خصلت دو پهلو دارد. از یک سو منطبق با پیشرفت (نیمه روشن مدرنیته) است و از سوی دیگر با ناامنی و خطر (نیمه تاریک مدرنیته) عجین است. به طوری که مثلاً کارخانه تولید برق با انرژی هسته‌ای نشان از پیشرفت دارد و از سوی دیگر ممکن است زندگی انسان‌ها را نابود سازد (لاپتون، 1380: 306). گیدنز بین مخاطره و بازاندیشی پیوند برقرار می‌کند. بازاندیشی و مخاطره به منزله محور اصلی دگردیسی‌های جامعه، فرهنگ و سیاست محسوب می‌شوند. منظور از بازاندیشی، چرخش دانش و اطلاعات است که از طریق رسانه‌های ارتباطی جمعی در دنیای جهان وطنی در حال جهانی شدن بالنده می‌شود. بازاندیشی به منزله وسیله‌ای برای باز نظم‌دهی جامعه و باز تعریف فعالیت سیاسی عمل می‌کند. از این نظر تأثیر جهانی شدن در مخاطرات از اهمیت اصلی برخوردار است. فرآیند جهانی شدن، آگاهی ما از مخاطره را از بنیاد متراکم می‌کند و با این کار بسترهای عملی را به پیامدهای جهانی شدن مبدل می‌سازد. در آغاز سده بیست و یکم، دنیای بازاندیشی متراکم (آگاهی‌های گفتمانی و کرداری) همان دنیای خرد مردمی است که درباره پیامدهای منفی کنش انسان، از تخریب جنگل‌های بارانی تا کارخانه‌های تولید اسلحه برای نابودی جمعی بازاندیشی می‌کنند و به ادراک مجدد در می‌آورند (الیوت و ترنر⁵⁶ 1393: 529). در مدرنیته متأخر، جامعه به طور بازاندیشانه آگاهی می‌یابد از این که خطرات به طور فزاینده به دست بشر ساخته شده است و می‌بایست به دست بشر به بازآگاهی و نظارت مجدد درآیند. مخاطرات بازنمای آگاهی هستند. بنابراین مدرنیته متأخر به منزله فرهنگ ریسک است. جامعه متأخر مدام فرهنگ مخاطره⁵⁷ را به طور بازاندیشانه تولید می‌کند. جامعه‌ای که به طور فزاینده مشغول و نگران آینده است و مفهوم ریسک را تولید می‌کند و می‌تواند مخاطرات را بازشناسی کرده و مجدداً به مهار آن‌ها بپردازد (همان: 30). هر چند که بلاهای مدرن را نمی‌توان به طور کامل کنترل کرد (ریترز، 1393: 739).

گیدنز به مانند بک به وجه ادراکی و اجتماعی بودن ریسک و تأثیرات عمیق و گسترده آن بر حیات روزمره آدمیان اهمیت قائل است. به بیانی ریسک‌ها جنبه ادراکی دارند و زندگی انسان را در دنیای مدرن

56. Elliott and Turner

57. Risk Culture

تحت تاثیر قرار می‌دهند (قاسمی، 31:1388). در جامعه متأخر، ریسک‌های تولید شده (عدم قطعیت‌های برساختی) محیط‌های ریسک بشری هستند که به واسطه تغییرات به وجود آمده در محیط و طبیعت ناشی از پیشرفت دانش و فناوری به وسیله ی انسان تولید می‌شوند و می‌توان آن‌ها را در سطوح نهادی و فردی با بازاندیشی و تشدید آینده نگری به ادراک، کنترل و نظارت مجدد درآورد (گیدنز، 1379: 56).

گیدنز نیز مانند بک درباب ریسک رویکرد برساخت‌گرایی ضعیف را اتخاذ می‌کند و برساخت‌گرایی بازاندیشانه^{۵۸} را محور مطالعاتش قرار می‌دهد. این که ریسک‌های محیطی برساخت اجتماعی هستند و با بازاندیشی و اقدام مؤثر می‌توان آن‌ها را به ادراک و کنترل درآورد (لاپتون، 1380: 313).

به نظر گیدنز، «گردونه خرد کننده و بلای مدرنیته» غیر قابل توقف است و لذا باید آن را به نظارت درآورد. او راه حل را در نوسازی بوم‌شناسی^{۵۹} جست و جو می‌کند (صالحی و پازوکی نژاد، 1396: 68). در نوسازی اکولوژیکی به جای صنعت‌زدایی به گسترش فن‌آوری‌ها و صنایع سبز و پاک تأکید می‌شود. طرفداران مدرنیزه کردن اکولوژیکی، رشد اقتصادی توأم با فن‌آوری سبز را جهت کاهش خطرات زیست‌محیطی پیشنهاد می‌دهند، بدون آن که میزان بهره‌وری از منابع طبیعی کاهش یابد (ساتن، 1393: 271).

روش شناسی

این تحقیق بنابر ماهیت ادراکی موضوع و هدف تفسیری آن و جهت تولید نظریه‌ای در باب ادراک ریسک بر پایه داده‌های کیفی مأخوذ از سوژه‌های مطلع، روش نظریه‌مبنایی^{۶۰} اشتروس^{۶۱} و کوربین^{۶۲} و به منظور جمع‌آوری داده‌های کیفی، فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^{۶۳} را اتخاذ کرد. بدین‌سان برداشت ذهنی سوژه‌های مطلع از ادراک شهرنشینان درباره ریسک‌های محیطی شهر تهران مورد تفسیر قرار گرفت و در نهایت به الگوی پارادایمی^{۶۴} دست یافت.

58. Reflexive Constructivism

59. Ecological Modernization

60. Grounded Theory

61. Strauss

62. Corbin

63. Semi-Structured Interview

64. Paradigm Model

سوژه‌های مطلع از میان تحصیل‌کردگان فوق‌لیسانس و دکتری و اساتید دانشگاه در رشته‌های علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علوم ارتباطات، روان‌شناسی، جغرافیا، محیط‌زیست، صنایع غذایی و منابع طبیعی طی فرایند نمونه‌گیری هدفمند و نظری^{۶۵} انتخاب شدند. این نمونه‌گیری از یک سو هدفمند است بدین معنا که از مطلعین آشنا و علاقمند به موضوع ریسک، داده‌های کیفی را کسب می‌کند و از سوی دیگر نظری است، بدین معنی که فرآیند نمونه‌گیری به رویش و توسعه مفاهیم و مقولات منجر شده و به کفایت نظری ختم می‌شود. اشباع داده‌ها، اشباع نظری^{۶۶} و کفایت حجم نمونه در نهایت با 20 مصاحبه در مدت زمان 54 ساعت و 14 دقیقه به دست آمد.

از 20 نفر سوژه مطلع که مورد مصاحبه قرار گرفتند، 8 نفر زن و 12 نفر مرد هستند. از لحاظ سطح تحصیلات و رشته تحصیلی، 2 نفر دکترای جامعه‌شناسی، 1 نفر دکترای انسان‌شناسی، 1 نفر دکترای فلسفه، 1 نفر دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، 1 نفر دکترای تکنولوژی آموزشی، 1 نفر دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی، 1 نفر دانشجوی دکترای محیط‌زیست، 1 نفر دانشجوی دکترای صنایع غذایی، 2 نفر فوق‌لیسانس روان‌شناسی، 2 نفر فوق‌لیسانس علوم ارتباطات، 1 نفر فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، 1 نفر فوق‌لیسانس علوم تربیتی، 1 نفر فوق‌لیسانس جغرافیا، 1 نفر فوق‌لیسانس محیط‌زیست، 1 نفر فوق‌لیسانس مهندسی صنایع غذایی، 1 نفر فوق‌لیسانس شیمی آلی و 1 نفر فوق‌لیسانس منابع طبیعی هستند.

در این پژوهش فرایند تحلیل داده‌ها شامل مراحل کدگذاری باز^{۶۷}، کدگذاری محوری^{۶۸} و کدگذاری انتخابی^{۶۹} جهت حصول به مفاهیم و مقوله‌های اشباع شده و چنینش آن‌ها در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی و در نهایت دستیابی به مدل پارادایمی به شرح زیر انجام گرفت.

در کدگذاری باز داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌ها به واحدهای جمله به جمله شکسته می‌شوند و مفاهیم از دل آن‌ها، استخراج می‌گردند. در این فرایند، داده‌ها مدام گردآوری می‌شوند (داده اندوزی) و

65. Purposeful and Theoretical Sampling

66. Theoretical Saturation

67. Open Coding

68. Axial Coding

69. Selective Coding

تحلیل مداوم داده‌ها (داده پردازی) به صورت تدریجی، پلکانی و غیرخطی انجام می‌گیرد و در انتزاع بالاتر به مقوله‌سازی می‌رسند (اشتروس و کوربین، 1990؛ برنز و گرو^{۷۰}، 1999). این جریان آنقدر ادامه می‌یابد تا مفاهیم و مقوله‌ای جدیدی و یا ابعادی تازه‌ای به دست نیاید و اشباع داده‌ها و اشباع نظری حاصل شود. هم‌چنین مفاهیم مشابه و متفاوت در این کدگذاری تشخیص داده می‌شوند (محسنی تبریزی، 1395: 145؛ چارمرز^{۷۱}، 2006).

در کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌های فرعی خویشاوند و مربوط بهم تشخیص داده شده و در چینی‌سازی تازه و در نظمی مشخص زیر چتر مقوله محوری خود به یکدیگر مرتبط می‌گردند. به بیانی دیگر مفاهیم و مقوله‌هایی که در کدگذاری باز استخراج شدند، در ترکیبی جدید مقوله‌بندی و به یکدیگر متصل می‌شوند. به طوری که مفاهیم و مقوله‌های فرعی نزدیک و خویشاوند به صورت خوشه‌ای از طریق مقوله محوری‌شان به یکدیگر وصل می‌شوند. در کدگذاری محوری از یک الگوی پارادایمی برای پیوند هر یک از مقوله‌های محوری با مفاهیم و مقوله‌های فرعی خود استفاده می‌شود که مشتمل بر محورهای «شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی، راهبردها و پیامدهاست» (محسنی تبریزی، 1395: 146-145).

- **شرایط علی^{۷۲}**: شرایط و مجموعه عوامل ایجاد و ایجابی است که توضیح دهنده چرایی و چگونگی پدیده مرکزی به طور مستقیم است. به بیان دیگر شرایط علی بر پدیده کانونی اثر مستقیم دارد (همان: 147).

- **شرایط زمینه‌ای^{۷۳}**: شرایطی خاص و بسترسازی هستند که بر اتخاذ راهبردهای کنش ناظر بوده و راهبردهای کنش و کنش متقابل در آن انجام می‌شود (همان: 291).

- **شرایط میانجی^{۷۴}**: آن شرایط و وضعیت‌هایی هستند که راهبردهای کنش و کنش متقابل را تشدید کرده یا تخفیف می‌دهند و اثرات یک یا چند عامل را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند (همان: 148).

70. Burans and Grove
71. Charmaz
72. Causal Conditions
73. Contextual Conditions
74. Interventional Conditions

- راهبردها (کنش و تعامل)^{۷۵}): تدابیر و ترفندهایی هستند که کنش‌گران جهت سازگاری با مسئله یا نحوه حل مشکل به اقتضای شرایطی که در آن قرار دارند، به کار می‌برند (فراستخواه، 1395: 100).

- پیامدها^{۷۶}: نتایج اعمال و راهبردهای کنش‌گران است. به بیان دیگر پیامدها، تبعات خواسته یا ناخواسته‌ای هستند که نتیجه اعمال و تاکتیک‌های کنش‌گران می‌باشد (محسنی تبریزی، 1395: 149).

در کدگذاری انتخابی، ابتدا مقوله اصلی (پدیده مرکزی^{۷۷}) کشف و انتخاب می‌شود. پدیده مرکزی کانونی‌ترین مقوله و هسته مرکزی همه رویدادها و حوادث است و این ظرفیت را دارد که مقوله‌های جامع دیگر را حول خودش جمع کرده و به آن‌ها آرایش نظام یافته دهد و قدرت و کفایت توضیحی (کفایت نظری) دارد (پاتن^{۷۸}، 2002؛ فراستخواه، 1395: 175-172). به دنبال انتخاب پدیده مرکزی، رابطه میان مقولات اصلی با یکدیگر در قالب مدل پارادایمی اشتروس و کوربین مشتمل بر شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر (میانجی)، راهبردهای کنش و پیامدها مشخص و یکپارچه می‌شود و به تفسیر جامع و روایت توصیفی (خط داستان) از برداشت مطلعین درباره ادراک شهرنشینان از مخاطرات محیطی شهر تهران می‌انجامد. بدین ترتیب عناصر اصلی مدل پارادایمی که نتیجه اکتشاف و ماحصل جامع روابط و رویدادها است، به یکدیگر متصل می‌شوند. (محسنی تبریزی، 1395: 146).

رویکرد کیفی، به اعتبارپذیری واقعی بودن یافته‌ها تاکید دارد (دستیابی به اعتماد). بدین معنا که یافته‌هایی که از سوی محقق گزارش می‌شود، همانی باشد که در ذهن سوژه‌ها است (همان: 149). به منظور ارزیابی اعتماد به ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌های مطرح شده در مصاحبه نیمه ساختار یافته و تناسب آن‌ها با متن پاسخ‌های مکتوب در مصاحبه‌های پیاده شده از فن ممیزی^{۷۹} استفاده شد. بدین صورت که داده‌های مکتوب و کدگذاری باز شده در دو مرحله در اختیار اساتید صاحب نظر قرار گرفت و صحت و درستی فرایند مصاحبه به تأیید رسید. به علاوه جهت ارزیابی بر مراحل کدگذاری، مفهوم سازی، استخراج مقوله‌ها و محوری‌سازی آن‌ها، کفایت نمونه‌ها، نحوه گنجاندن مقوله‌ها در اجزای مدل پارادایمی،

75.Action / interactions

76.Consequences

77.Central Phenomenon

78.Patton

79.Auditing

ارتباط مقوله‌های اصلی و در نهایت قابلیت توضیحی یافته‌ها از فن ممیزی مجدداً استفاده شد و مواد تولیدی در چندین نوبت در اختیار اساتید صاحب‌نظر قرار گرفت و بعد از اعمال اصلاحات و نقطه نظرات آن‌ها برآزش یافته‌ها و داده‌ها به تأیید رسید. هم چنین در هر مصاحبه هر گاه سوژه حول نکته‌ای متمرکز می‌گردید، سعی شد طی همان مصاحبه از آن نکته، مفهومی ساخته شود. سپس از مصاحبه شونده خواسته می‌شد که آیا این مفهوم منظور شما بوده است؟ این تکنیک ضمن این که مفهوم‌سازی از طریق تعامل خلاق بین پژوهشگر و سوژه است، نوعی فن ممیزی در فضای مصاحبه نیز به حساب می‌آید. به طوری که همخوانی مفهومی ساخته شده با منظور سوژه ارزیابی می‌شود.

تعریف ریسک و وجوه ادراکی و کنشی آن از منظر سوژه‌ها

پیش از پرداختن به یافته‌های اصلی پژوهش لازم است ریسک (مخاطره) را تعریف کرده و وجوه ادراکی و کنشی آن را که از برساخت مفاهیم و مقولات حاصل از داده‌های کیفی مصاحبه با سوژه‌های مطلع به دست آمده است، بیان شود.

ریسک تنها به معنای خطر و موقعیت خطرناک نیست. هم چنین صرفاً به معنی خطر بالقوه‌ای نیست که احتمال وقوع و شدت آسیب‌رسانی آن به لحاظ فنی و محاسباتی قابل پیش‌بینی و مهار باشد، بلکه علاوه بر آن‌ها به معنای ادراک خطرات بالقوه در آینده از سوی شهروندانی است که انتظار و تصور وقوع و آسیب‌زدنشان را دارند و در مقابل آن‌ها کنش فعالانه و اقدام مؤثر انجام می‌دهند. ادراک ریسک (مخاطره ادراک شده) عبارت است از انتظار احتمالی خطر و تصور آسیب، خسارت و فاجعه ناشی از آن در آینده و نگرانی آگاهانه نسبت به آن و هم چنین اقدام مسئولانه در برابرش و نحوه آسیب‌گریزی و فاجعه‌گریزی کنشگران اجتماعی در سطح عمومی جامعه. لذا در این معنا ادراک ریسک (ارزیابی ذهنی مخاطره) با چند و چون خرد و کنش اجتماعی در مواجهه با خطر سر و کار دارد. خرد اجتماعی و نقادی که خرد علمی را در کنار خود دارد و با آن در تعامل است. مفهوم و ادراک ریسک و کنش فعال در مواجهه با آن در میان جامعه و کنشگرانی شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد که رو به سوی آینده دارند. جامعه فعال و مسئولی که مدام در تلاش است از گذشته فاصله بگیرد و آینده را با هوشیاری و خردورزی تصور و فهم کند و در مواجهه با

مخاطرات چاره‌اندیشی، بازاندیشی و اقدام عملی نماید. آینده‌ای که با اراده و خواست شهروندان، مدبرانه در جهت کاهش مخاطرات و بهبود زندگی انسانی و حفاظت از طبیعت، مدام آفریده می‌شود و به تسخیر در می‌آید.

مفهوم ریسک یک سازه دو وجهی ادراکی و کنشی است که شهرنشینان می‌توانند آن را در موقعیت خطرزا و در تعامل بین‌الذهانی و کنش با یکدیگر بر سازند. ریسک در وجه ادراکی مشتمل بر ابعاد و عناصر ذیل است:

الف) **آگاهی از خطر:** ادراک و انتظار احتمال خطر، نگرانی از احتمال خطر، ادراک شدت آسیب‌پذیری خطر.

ب) **ذهن فعال:** اراده و قصد فعال معطوف به خطر، قابل کنترل دانستن خطر، اثربخش دانستن اقدامات پیش‌گیرانه.

ج) **خودکارآمدی ادراک شده:** توانایی محافظت در مقابله با خطر، برخورداری از مهارت‌های مقابله با خطر.

د) **ابهام‌زدایی:** واقعی دیدن خطر، دور نپنداشتن خطر به لحاظ زمانی و مکانی.

ه) **عادت نکردن به خطر:** هنجاری نشدن خطر، هنجاری نشدن پیامدهای خطر.

مفهوم ریسک وجه کنشی و تعاملی فعال نیز دارد که ابعاد و عناصر ذیل را در بر می‌گیرد:

الف) **عدم گرایش به کنش‌های انفعالی و غیر مولد:** عدم سوگیری به توجیهات لاهوتی، عدم گرایش به راهکارهای مناسکی، عدم به کارگیری راهکارهای جادویی و فراطبیعی، مسئولیت‌پذیری فعال.

ب) **استفاده از تاکتیک‌های فعال در برابر:** زلزله، آلودگی هوا و زندگی سرسام آور شهری، آلودگی زیاله، آلودگی آب، غذاهای مضر سلامت، کمبود آب، بیماری‌های اپیدمیک و پاندمیک، تغییرات اقلیمی و غیره.

تحلیل یافته‌ها

در این بخش نتایج کیفی حاصل از روش گراند تئوری مشتمل بر نتایج فرایند کدگذاری باز و کدگذاری محوری و همچنین نتایج مراحل کدگذاری انتخابی (کشف پدیده مرکزی، تقریر خط داستان و مدل پارادایمی) ارائه می‌شود.

نتایج کدگذاری باز

در کدگذاری باز مفاهیم و مقولات از دل داده‌های متنی خام مستتر در مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و طی فرایند نمونه‌گیری هدفمند و نظری و در روند اشباع داده‌ها و اشباع نظری استخراج و آزاد شده و پدید آمدند، به طوری که در نهایت مفهوم یا مقوله جدیدی شکل نگرفت. به بیان دیگر در کدگذاری باز، فرآیند رویش هر یک از مقولات از مفاهیم تا اشباع آن‌ها طی روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری ادامه یافت، به طوری که دیگر مفاهیم و مقولات جدیدی حاصل نشد. شایان ذکر است در فرآیند کدگذاری باز 347 مفهوم و 49 مقوله از متن داده‌های 20 مصاحبه، بر ساخت و منتزع شد.

نتایج فرآیند کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری مفاهیم و مقولات خلق شده حاصل از کدگذاری باز در نظمی منطقی برای ساخت نظریه مبنایی مجدداً ترکیب شدند، به طوری که مفاهیم هم خانواده کشف و شناسایی گردیدند و زیر چتر مقوله‌ها و زیر مقوله‌های مربوطه‌اش در قالب یک مدل پارادایمی با یکدیگر مرتبط شدند. در کدگذاری محوری پیوند مفاهیم و مقولات اصلی و فرعی هم خانواده از یک الگوی پارادایمی در قالب شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی، راهبردهای کنش و پیامدها استفاده شد. به گونه‌ای که در یک انتظام پارادایمی، 347 مفهوم و 49 مقوله حاصل از کدگذاری باز در فرآیند کدگذاری محوری آرایش منظم یافت. جدول ذیل نتایج فرایند کامل کدگذاری محوری که نتایج کدگذاری باز را در یک چینش منظم قرار گرفت، نمایش داده می‌شود.

جداول نتایج فرآیند کدگذاری محوری: برداشت مطلعین از ادراک مخاطرات محیطی در شهرنشینان تهرانی

مفاهیم	مقولات		شرایط علی
<ul style="list-style-type: none"> - احساس عدم رسیدگی به مشکلات شهر - تلقی سودانگاران به شهر - تلقی عملکرد ضعیف و ناکارآمدی - احساس قانون‌گریزی - احساس عدم شفافیت - احساس عدم پاسخگویی - تلقی وجود فساد مالی و اداری - احساس تقدم روابط بر ضوابط - تلقی حیف و میل بودجه 	<p>ضعف اعتماد به مدیریت شهری و نهادهای دولتی</p>	<p>ضعف اعتماد</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - رادیو و تلویزیون رسمی - روزنامه های رسمی - پایگاه ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی دولتی 	<p>ضعف اعتماد به رسانه‌های رسمی</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - به کارشناسان محیط زیست - به کارشناسان صنایع غذایی - به کارشناسان مدیریت بحران 	<p>ضعف اعتماد به کارشناسان</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - ضعف تعلق به کلیت شهر - بیگانگی از شهرنشینان و همسایگان - بیگانگی به محله - بیگانگی از مدیریت شهری - احساس تنهایی و انزوا - زوال خاطره‌ها 	<p>بیگانگی شهری</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - احساس بی قدرتی در برابر جامعه - احساس بی قدرتی در برابر قدرت سیاسی - احساس بی قدرتی در برابر سازمان‌های متولی شهر - احساس بی قدرتی در برابر ذینفعان مسلط بر شهر - احساس بی قدرتی در تشکیل انجمن‌های مستقل شهری - ضعف روحیه مطالبه‌گری - ناتوانی در فعالیت‌های امور محله‌ای و شهری 	<p>ضعف قدرت اجتماعی</p>		

<ul style="list-style-type: none"> - ضعف آگاهی به حقوق شهروندی و حق به شهر - فقر مهارت‌های شهروندی و زیست شهری - ضعف آگاهی به مسئولیت‌های شهروندی - ضعف مشارکت‌جویی در امور شهری - ضعف فرهنگ گفتگو و دیالوگ - عدم تمایل به عضویت در تشکل‌های مدنی و شهروندی - ضعف شهروندی زیست محیطی 	ضعف آگاهی و کنش شهروندی	
<ul style="list-style-type: none"> - فردگرایی خودخواهانه - جمع‌گرایی خاص‌گرایانه - ضعف انسان‌مداری 	ضعف ارزش‌های دیگر خواهانه عام	
<ul style="list-style-type: none"> - ضعف شناخت عناصر حفظ و تداوم حیات - فقر شناخت ساز و کارهای چرخه‌های اکوسیستم - فقر شناخت مسائل محیط زیست 	ضعف آگاهی‌های زیست محیطی	
<ul style="list-style-type: none"> - ضعف ارزش‌مند دانستن گونه‌های گیاهی و جانوری - ضعف ارزش‌مند دانستن سیاره زمین - ضعف ارزش‌مند دانستن هستی بی جان (رودخانه، برکه، دریا، چشمه، کوه و...) 	فقر ارزش‌های زیست محیطی	
<ul style="list-style-type: none"> - برداشت مقدر از جهان هستی و زندگی - ذهن لاهوتی - باور به گناه و عقوبت الهی - تقدیس قالب‌های ذهنی پیشینی - باور به بخت و اقبال 	تقدیرگرایی	
<ul style="list-style-type: none"> - درآمد - مسکن - تحصیلات - وضعیت شغلی - بهداشت و درمان - حمایت‌های اجتماعی 	احساس محرومیت	
<ul style="list-style-type: none"> - اجحاف - بی انصافی - فقدان احساس فرصت‌های برابر 	احساس بی عدالتی	

<ul style="list-style-type: none"> - مشغله تأمین معیشت - گرانی کالاهای ضروری - گرانی خرید و اجاره مسکن - مشغله بازپرداخت وام - تورم افسار گسیخته - دستمزدهای پایین 	اولویت نیازها و دغدغه‌های معیشتی	
<p style="text-align: center;">کالای زندگی</p> <ul style="list-style-type: none"> - گرایش به زندگی پلاستیکی و نایلونی - گرایش به زندگی کربنی - گرایش به زندگی اتومبیلی - گرایش به رشد افراطی مادی - گرایش به زندگی نمایشی و تن‌آسایی - گرایش به مواد غذایی فرآوری شده و غذاهای فست‌فودی 	گرایش به سبک زندگی مصرفی	
<ul style="list-style-type: none"> - وضعیت شغلی - دارایی - جنس 	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	

مفاهیم	مقولات	شرایط زمینه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> - حضور مداوم بلايا و فجایع طبیعی (زلزله، خشکسالی، سیل، قحطی، بیماری های واگیردار و...) - زندگی دائمی در شرایط پر خطر و آسیب طبیعی 	جغرافیای طبیعی ناپایدار فلات ایران	
<ul style="list-style-type: none"> - ناثباتی ژئوپولیتیک فلات ایران - چرخش دائمی بین ثبات استبدادی و ناامنی - جامعه کوتاه مدت و کلنگی - جنگ‌های مستمر داخلی - هجوم مستمر اقوام پیرامونی - تدوام تئوکراسی - عدم امکان انباشت فرهنگی - تسلط فرهنگ غارت‌گری - بازتولید متقابل ساختار اجتماعی استبدادی و خوی استبداد زده 	دیالکتیک ماندگی سازندگی و ویران‌گری تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران	

<ul style="list-style-type: none"> - علم‌گریز - ترس‌زی - گذشته‌گرا (آینده‌گریز) - خاص‌گرا - باورمند به شانس و اقبال - تبعیض‌باور - قدرگرا - متملق - خردگریز - انتقام‌جو - تشمت‌الگوهای ذهنی و عینی رفتار - جزم‌گرا - توطئه‌باور - متظاهر به اخلاق‌مداری - تنیدگی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری - آمیختگی خود برتربینی و خود کم‌بینی 	<p>سخت جانی نظام شخصیتی</p> <p>استبداد زده تاریخی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - فقدان تجربه زیست مدنی و انجمنی مدرن - ضعف عرصه عمومی - فقدان شهریت و زندگی شهروندی - فقدان زندگی فعال و مستقل مردم مدار - امتزاج شیوه زندگی پیشامدرن و ابزاری پسین - ضعف عقل ارتباطی و مفاهمه‌ای 	<p>فقر زندگی جامعوی و تجربه</p> <p>زیسته خرد اجتماعی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - فقدان تفکر انتقادی - عقل‌گریز و عقل‌ستیز - فقدان اندیشه خودبنیاد و خودآفرین - ضعف پرسش‌گری - جهان‌بینی تکلیفی - استمرار ذهن وحیانی و عرفانی - تسلط مرجعیت تبعدی - تسلط انگاره‌های ذهنی صلب 	<p>امتناع تفکر</p>	

مفاهیم	مقولات	شرایط میانجی
<ul style="list-style-type: none"> - ضعف آموزش‌های شناختی ریسک - ضعف آموزش‌های مهارتی ریسک 	<p>ضعف مدیریت شهری در آگاهی</p> <p>بخشی ریسک</p>	

<ul style="list-style-type: none"> - حاشیه‌ای دیدن شهروندی - سیطره بر زیست جهان شهروندی - شیء پنداری شهرنشینان - نحیف‌سازی نهادهای مدنی - مسکین سازی فرهنگ شهروندی - عدم تمایل به مشارکت شهرنشینان - تصمیم‌گیری منهای دخالت شهرنشینان - عدم حمایت از تشکل‌های شهروندی - عدم نیاز به نظرات و پیشنهادهای شهرنشینان 	<p>شهروندزدایی مدیریت شهری</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - نگاه کالبدی و سخت افزاری به شهر - نگاه اقتصادی و کاسب‌ارانه به شهر 	<p>شیء انگاری مدیریت شهری به شهر</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - محدودسازی جامعه مدنی - تنگ کردن عرصه عمومی - نگاه امنیتی به موضوع شهروندی - عدم تمایل به مشارکت شهرنشینان - به رسمیت نشناختن حقوق شهروندی - مسکین‌سازی فرهنگی شهرنشینان - تسلط بر زیست جهان شهروندی - استثمار فرهنگی زیست جهان شهری 	<p>شهروند گریزی نهادهای دولتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - ضعف سیاست‌های معطوف به ریسک - ضعف ساختارهای معطوف به ریسک - ضعف کارکردهای معطوف به ریسک - در اولویت نبودن خطرات زیست شهری - نارسایی دستگاه‌های نظارتی ریسک - ضعف تخصص‌های دانش ریسک - کمبود پژوهش‌های ریسک - ساختارها و رویکردهای عمودی و دستوری - تسلط اهداف ابزاری بر اهداف ذاتی - عدم شفافیت 	<p>ضعف ساختار و عملکرد نهادهای دولتی و مدیریت شهری</p>	

<ul style="list-style-type: none"> - نارسایی در آموزش آینده‌نگری و آینده‌شناسی - ضعف تربیت سوژه ریسک‌شناس و فعال - فقر آموزش‌های شناختی و مهارتی مقابله با ریسک 	<p>ضعف آموزش و پرورش در آگاهی بخشی ریسک</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - آموزش و پرورش غیرشهروندی - در اولویت نبودن تربیت انسان شهروند و شهروند محیط زیست‌گرا - آموزش و پرورش ایدئولوژیک (تبلیغاتی و شعاری) - نارسایی تعلیم و تربیت ارزش‌ها و هنجارهای نوع دوستانه - ضعف تعلیم و تربیت ارزش‌ها و هنجارهای طبیعت دوستانه - ضعف تواناسازی دانش آموزان برای زندگی شهری و شهروندی - نارسایی در آموزش حقوق و مسئولیت‌های شهروندی - تحریف سازی آموزش‌های شهروندی 	<p>ضعف آموزش و پرورش در تولید انسان شهروند</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - فقر ارزشی - فقر دانشی - فقر کنشی و مهارتی 	<p>فقر فرهنگ شهروندی</p>	<p>فقر فرهنگی خانواده</p>
<ul style="list-style-type: none"> - فقر ارزشی - فقر دانشی - فقر کنشی و مهارتی 	<p>فقر فرهنگ زیست محیطی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - فقدان احزاب سیاسی مستقل - ساختار و سازوکارهای غیر دمکراتیک انتخاباتی - فقدان گردش آزاد قدرت سیاسی - سازوکارهای اداره غیر دمکراتیک جامعه - تفکیک ظاهری قوای سه گانه 	<p>ساختار غیردمکراتیک قدرت سیاسی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - انحصار طلب - مقدس‌ساز - قهرمان‌ساز - مطیع‌پرور - توده وارساز - تبعیض‌گرا 	<p>رویکرد غیر دمکراتیک قدرت سیاسی</p>	

مفاهیم	مقولات		استراتژی های کنش و تعامل
<ul style="list-style-type: none"> - گناه پنداری - نفرین باوری - عقوبت باوری - بخت و اقبال جویی 	توجیهات لاهوتی	تاکتیک های انفعالی و غیر مولد	
<ul style="list-style-type: none"> - دعا و توکل - استغاثه - ذکر و توسل - نذر و کفاره - سوگواری و عزاداری 	راهکارهای مناسبی		
<ul style="list-style-type: none"> - دعا نویسی - وردخوانی - فالگیری - افسون و طلسم شکنی - طالع بینی و غیب گویی - رمل و اسطرلاب - چشم زخم زدایی 	ترفندهای جادویی و فرا طبیعی		
<ul style="list-style-type: none"> - دلیل تراشی - انکار - تجاهل (خود را به گمراهی زدن) - تغافل (خود را به غفلت زدن) - بی تفاوتی - ترجیح منافع آتی بر منافع آتی 	مسئولیت گریزی		
<ul style="list-style-type: none"> - عدم توجه به استحکام خانه - عدم مهارت های نجات و امداد - عدم آماده سازی وسایل امداد و نجات 	عدم بهرمندی از تاکتیک های مقابله با زلزله	ضعف استفاده از تاکتیک های فعال	
<ul style="list-style-type: none"> - عدم استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی - عدم استفاده از فیلترهای آگروز - عدم استفاده از ماسک - عدم نصب دستگاه تهویه هوا 	عدم بهرمندی از تاکتیک های مقابله با آلودگی هوا و زندگی سرسام آور شهری		

<ul style="list-style-type: none"> - عدم استفاده از پنجره‌های دوجداره - عدم استفاده از درزگیرهای پنجره‌ها - کم تحرکی و ورزش نکردن - عدم استفاده از روش‌های آرامش روان - عدم استفاده از تکنیک‌های روان شناسی و روان کاوی - عدم استفاده از گیاهان دارویی - عدم استفاده از میوه‌های ارگانیک 			
<ul style="list-style-type: none"> - عدم تقطیک زباله از مبدأ - عدم استفاده از دستگاه تصفیه آب - عدم خرید آب آشامیدنی سالم 	<p>عدم بهره مندی از تاکتیک‌های مقابله با آلودگی زباله و آلودگی آب</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - عدم پرهیز از غذاهای فرآوری شده - عدم پرهیز از فست فودها و غذاهای سرخ شده - عدم تهیه گوشت‌های ارگانیک - عدم مصرف میوه‌های ارگانیک - عدم مصرف روغن‌های گیاهی - عدم پرهیز از مصرف روغن‌های جامد و پالم دار - عدم مصرف لبنیات ارگانیک - عدم مصرف سبزیجات و صیفی جات سالم - عدم پرهیز از نوشابه‌های صنعتی - عدم مصرف نوشیدنی‌ها و عرقیات سالم - عدم استفاده از قندهای غیر صنعتی - عدم پرهیز از مصرف غذاهای کلسترول دار 	<p>عدم بهره مندی از تاکتیک‌های مقابله با ریسک‌های غذایی مضر سلامت</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - ضعف برخورداری از مهارت‌های صرفه جویی آب - ضعف صرفه‌جویی در مصرف آب 	<p>عدم بهره‌مندی از تاکتیک‌های مقابله با کمبود آب</p>		

مفاهیم	مقولات		
<ul style="list-style-type: none"> - بدبینی و بدگمانی - نارضایتی انفعالی از زندگی - تشدید استیصال - احساس بی‌افقی - تشدید افسوس و حسرت - دل‌مردگی و دل‌زدگی - احساس شکست و تلخ‌کامی - ترس 	ناامیدی		
<ul style="list-style-type: none"> - شوک و حیرانی - تلفات و صدمات جانی - آسیب‌های جسمی و معلولیت - شیوع بیماری‌های واگیردار - مرگ‌های ناشی از بیماری‌های واگیردار - افزایش خودکشی - افسردگی و شیوع بیماری‌های روانی - ترس و اضطراب فزاینده - احساس تنهایی و عسرت - غم‌ناشی از مرگ عزیزان - احساس بی‌پناهی - تخریب سازه‌های شهری - ویرانی معابر و خیابان‌ها - تخریب تاسیسات شهری - قطع خدمات شهری - آتش‌سوزی - خطر گرسنگی و تشنگی - مهاجرت‌های اجباری 	تبعات مخرب خطر وقوع زلزله	پیامدهای مشخص	پیامدها

<ul style="list-style-type: none"> - بیماری‌های تنفسی - بیماری‌های قلبی، عروقی و خونی - آسم و برونشیت - انواع سرطان (ریه و...) - بیماری‌های حنجره - بیماری‌های مجرای مری - مرگ و میرهای ناشی از بیماری‌های فوق 	پیامدهای جسمی	تداوم آلودگی هوا و ریزگردها و تبعات آن		
<ul style="list-style-type: none"> - پرخاشگری و تندخویی - استرس - افسردگی - خستگی - کم‌خوابی و خواب آلودگی 	پیامدهای روحي و روانی			
<ul style="list-style-type: none"> - بیماری‌های معده و جهاز هاضمه - بیماری‌های عفونی - بیماری‌های خونی - بیماری‌های کبدی - تخریب سیستم سلولی - بیماری‌های صعب‌العلاج 		تداوم مصرف آلودگی آب و عوارض آن		
<ul style="list-style-type: none"> - آسیب به سیستم ژنتیکی - اختلال در متابولیسم سلولی - به هم خوردن سازوکار آنزیم‌ها - اختلال در فرآیند ساخت پروتئین - اختلال در ترشح هورمون‌ها - عوارض پوستی - ایجاد انواع سرطان - ایجاد بیماری‌های صعب‌العلاج ناشناخته 		تداوم مصرف پلاستیک و خطرات ناشی از آن		
<ul style="list-style-type: none"> - بیماری‌های عفونی و مسری - انواع سرطان 		تشدید آلودگی زباله‌های شهری و پیامدهای آن		

<ul style="list-style-type: none"> - تلفات و صدمات جانی - آسیب‌های جسمی و معلولیت - خسارات مالی - استرس و اختلالات روانی - مشکلات عبور و مرور شهری 	<p>تداوم فرو نشست زمین و خطرات وقوع آن</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - خشکسالی - باران سیل‌زا - توفان‌های سهمگین - مهاجرت گسترده - کمبود و جیره‌بندی آب - تخریب سازه‌ها در مسیر رودخانه‌ها - بی‌سرپناهی در مسیر سیل و توفان 	<p>تشدید تغییرات اقلیمی و آسیب های آن</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - بیماری‌های معده - بیماری‌های کبدی - بیماری‌های قلبی و عروقی - بیماری‌های پوستی - چاقی - بیماری‌های صعب‌العلاج و سرطان 	<p>پیامدهای مصرف غذاهای فرآوری شده صنعتی و فست فودها</p>	<p>تشدید مصرف مواد غذایی مضر و عوارض آن</p>
<ul style="list-style-type: none"> - آلرژی - انواع سرطان - صدمه به سیستم ژنتیکی - آسیب به سیستم ایمنی 	<p>پیامدهای مصرف ترازیخته‌ها</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - بیماری‌های قلبی - بیماری‌های خونی و عروقی - بیماری‌های کبدی - بیماری‌های آنزیمی و هورمونی 	<p>پیامدهای مصرف پالم و روغن‌های جامد</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - اختلالات هورمونی - اختلالات آنزیمی - آسیب به سوخت و ساز سلولی - بیماری‌های صعب‌العلاج 	<p>پیامدهای مصرف شیر و گوشت‌های هورمونی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> - اختلالات پروتئین‌سازی - تولید آلرژی - بیماری‌های پوستی - بیماری‌های کبدی - بیماری‌های روده و معده - بیماری‌های صعب‌العلاج - بیماری‌های عفونی 	<p>پيامدهای مصرف میوه‌ها و سبزیجات آلوده به کود های شیمیایی و آفت کش‌ها و فاضلاب‌ها</p>			
<ul style="list-style-type: none"> - اختلال در خواب - سردرد و سرگیجه - ناپهنجاری در رشد جنین 	<ul style="list-style-type: none"> - اختلال در گردش خون - اختلالات عصبی - خستگی دائمی 	<p>تداوم امواج مخابراتی و پارازیت‌های مضر و تبعات آن</p>		
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش تاب‌آوری - اضطراب - سردرد - کم‌شنوایی 	<ul style="list-style-type: none"> - خشم - فشارهای عصبی - بی‌حوصلگی 	<p>تداوم آلودگی‌های صوتی و ترافیک سنگین</p>		

نتایج حاصل از کدگذاری انتخابی (پدیده مرکزی، شرح داستان و مدل پارادایمی)

در فرایند کدگذاری انتخابی، مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری محوری مبتنی بر الگوی پارادایمی اشتروس و کوربین به یکدیگر مرتبط شده و مفصل‌بندی گردید. بدین ترتیب که ابتدا مقوله اصلی (پدیده مرکزی) انتخاب شد. در مرحله بعد مقولات اصلی و فرعی در قالب منسجم‌ترین مدل پارادایمی اتصال پیدا کرده و در نهایت به انتظام مفهومی و یکپارچگی رسید، به طوری که روایت توضیحی و نظری در باب موضوع ادراک شهرنشینان از مخاطرات محیطی در شهر تهران از منظر سوژه‌های مطلع به دست آمد.

الف) کشف پدیده مرکزی

در گام اول از کدگذاری انتخابی مقوله تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی به عنوان پدیده مرکزی با توجه به تکرار آن نسبت به مقولات دیگر و توانایی آن در گرد آوردن و یکپارچه‌سازی سایر مقولات دیگر حول خودش و برتری انسجام بخش آن در مقایسه با مقولات دیگر انتخاب گردید. به بیان دیگر مقوله اصلی تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی، ظرفیت و قدرت توضیح دهنده‌گی موضوع مورد بررسی را دارد.

از دید سوژه‌های مطلع، شهرنشینان در مواجهه با خطرات بالقوه و بالفعل محیطی مترتب بر شهر تهران از سوگیری ادراکی ریسک به نحو برجسته و قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیستند. به طوری که در میان شهرنشینان ساکن تهران پدیده تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی در الگوهای ذهنی آنان به صور فقر آگاهی از خطر، انفعال ذهنی در برابر خطر، ضعف کارآمدی (ضعف خود توانایی) در مواجهه با خطر، ابهام (واقعی ندیدن و دور انگاشتن خطر) و عادت به خطر خود را نشان می‌دهد. در بُعد فقر آگاهی از خطرات محیطی اجزایی مانند ضعف ادراک و انتظار احتمال خطر، ضعف نگرانی از احتمال خطر و ضعف ارزیابی از آسیب پذیری خطر در اذهان شهرنشینان مشهود است. در بُعد انفعال ذهنی می‌توان احساس درماندگی (بی اراده‌گی)، قابل کنترل ندانستن خطر (ضعف ادراک قابلیت کنترل پذیری خطر) و اثربخش ندانستن اقدامات پیش‌گیرانه از خطر را برشمرد. در بُعد ضعف خودکارآمدی (ضعف خود توانایی) دو عنصر ضعف توانایی محافظت در مقابله با خطر (ضعف اعتماد به نفس) و ضعف برخورداری از مهارت‌های مقابله با خطر قابل مشاهده است. در بُعد ابهام، شهرنشینان خطرات محیطی را واقعی نمی‌بینند و آن‌ها را به لحاظ زمانی و مکانی دور تصور می‌کنند. این که برای آن‌ها خطر اتفاق نمی‌افتد. در بُعد عادت به خطرات می‌توان هنجاری شدن تهدیدهای محیطی و هنجاری شدن (عادی شدن) پیامدهای آن‌ها را به نحو برجسته‌ای رؤیت کرد. این صور از ابعاد پدیده تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی نزد شهرنشینان تهرانی محسوب می‌شوند. جان کلام این که در اذهان شهرنشینان خرد مخاطره‌ای، آینده‌نگری و آینده‌سازی چندان برجسته و بارز نیست، به طوری که در سوگیری شخصیتی آنان، خرد معطوف به خطرات احتمالی نهادینه نشده و تشخیص و تعیین قابل ملاحظه‌ای نیافته است. سوژه مطلع خانم ش.ر. می‌گوید: «آلودگی هوا بسیاری از روزهای سال جلوی چشم دیده می‌شه اما مضراتش بعداً معلوم می‌شه امراض آلودگی هوا به تدریج خودش را نشون می‌ده و خیلی‌ها بی توجه از آن می‌گذرند برخی مشکل را می‌شناسند ولی به این وضع عادت کردند اکثر مردم سعی نمی‌کنند عادت‌های منفی خودشون را ترک کنند این‌ها نشان می‌ده به آینده فکر نمی‌کنن و به عاقبت کارشان توجهی ندارند بسیاری خطرات را واقعی نمی‌بینند اکثر مردم آمادگی مواجه شدن با آلودگی هوا و زلزله را ندارند این روزها همه بی اراده شدند».

کشف پدیده مرکزی: تأخر ادراکی ریسک های محیطی و مفاهیم و مقولات آن

مفاهیم	مقولات	تأخر ادراکی ریسک های محیطی
- ضعف ادراک احتمال خطر - ضعف نگرانی از احتمال خطر - ضعف ارزیابی شدت آسیب پذیری خطر	فقر آگاهی از خطر	
- احساس درماندگی (استیصال و بی اراده گی) - قابل کنترل ندانستن خطر (ضعف ادراک قابلیت کنترل پذیری خطر) - اثربخش ندانستن اقدامات پیش گیرانه	انفعال ذهنی	
- ضعف توانایی محافظت در مقابله با خطر - فقر مهارت های مقابله با خطر	ضعف خودکارآمدی	
- واقعی ندیدن خطر (واقعی نپنداشتن خطر) - دور انگاشتن خطر به لحاظ مکانی و زمانی	ابهام	
- هنجاری شدن خطر - هنجاری شدن پیامدهای خطر	عادت به خطر	

پدیده تأخر ادراکی ریسک های محیطی در سوگیری شخصیتی شهرنشینان را می توان در مهم ترین مخاطرات محیطی که ساکنان شهر تهران را در معرض تهدید قرار می دهد، شناسایی کرد. این مخاطرات به ترتیب اهمیت از منظر سوژه های مطلع عبارت است از زلزله، آلودگی هوا، آلودگی گرد و غبار و ریزگردها، آلودگی آب (میکروبی و صنعتی)، آلودگی زباله های شهری، فرونشست زمین، تغییرات اقلیمی (خشکسالی، آتش سوزی جنگل ها، طوفان و باران های سیل زار)، آلودگی های غذایی، امواج دکل های مخابراتی و پارازیت های ماکروویو، آلودگی های صوتی و ترافیک سنگین و اخیراً بیماری های پاندمیک.

(ب) شرح داستان و مدل پارادایمی

در گام بعدی از کدگذاری انتخابی، عناصر اصلی مدل پارادایمی شامل شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط میانجی، راهبردهای کنش و کنش متقابل و پیامدهای آن در قالب شرح داستان (روایت توصیفی)

تشریح می‌شود و در نهایت مدل پارادایمی تأخر ادراکی و کنشی مخاطرات محیطی در شهرنشینان تهرانی از منظر سوژه‌های مطلع به نمایش در می‌آید.

شرایط علی وقوع پدیده تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی

در این تحقیق شرایط علی به مجموعه علل و عوامل ایجابی و ایجاد پدیده تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی در شهرنشینان تهرانی از منظر سوژه‌های مطلع اطلاق می‌شود.

از دید سوژه‌ها، شهرنشینان تهرانی کم و بیش نسبت به مدیریت شهری و نهادهای متولی دولتی در اداره امور پایتخت «بی اعتماد» هستند و این نهادها را غیر پاسخگو، غیرشفاف و واجد عملکردی ضعیف و ناکارآمد تلقی می‌کنند. شهرنشینان هم چنین رسانه‌های رسمی را در اطلاع رسانی مسائل شهری از جمله مخاطرات محیطی قابل اتکاء ارزیابی نکرده و به کارشناسان مدیریت بحران و محیط زیست شهری خیلی باور ندارند. بی اعتمادی شهرنشینان به «بیگانگی شهری» و «احساس بی قدرتی اجتماعی» در آنان دامن می‌زند. این دو عامل به نوبه خود انگیزه و تمایل‌شان را نسبت به کسب ادراک آگاهانه و فعال در مواجهه با مخاطرات محیطی شهر به تأخیر می‌اندازند؛ بدین ترتیب فرهنگ ریسک در میان ذهنیت آن‌ها متعین و نهادینه نمی‌شود. آقای ی.ی. می‌گوید: «مردم اعتمادشون را به شهرداری از دست داده‌اند آن‌ها احساس می‌کنند شهرداری فقط دنبال پول درآوردن هر روز خیر از فساد مالی از شهرداری می‌آید عملکرد شهرداری خیلی روشن نیست و ساختار قانون‌گریز پیدا کرده باندبازی رابطه‌بازی سیاست‌زدگی در اون زیاده وقتی به هر اداره‌ای سر می‌زنی کارتان درست انجام نمی‌شه یا به تعویق می‌افته و می‌بینید سازمان‌های شهری و دولتی آن طور که باید از شما حمایت نمی‌کنن و هر روز با در بسته مواجه می‌شوید». آقای ن.ف. بیان می‌کند: «وقتی مردم اعتمادشون را به شهرداری و دولت از دست بدهند از سیستم شهری خودشون را جدا احساس می‌کنند و خود را بی اراده و درمانده می‌پندارند جامعه آسیب‌پذیر و ضربه‌پذیر می‌شه شهرنشینی که تعلق به شهر نداره در معرض تروماست».

بهره‌مندی از «آگاهی و کنش شهروندی» و برخورداری از «ارزش‌های دیگر خواهانه عام» از جمله عوامل علی مؤثر بر ادراک ریسک‌های محیطی محسوب می‌شوند. فرهنگ ریسک در جوامعی می‌تواند ظهور

یابد که آگاهی و کنش شهروندی و ارزش‌های انسانی و دیگرخواهانه در آن‌ها گسترش و تعمیق پیدا کرده باشد. از منظر سوژه‌های مطلع نزد شهرنشینان مفهوم و رفتار شهروندی و ارزشمندی جان و حرمت انسان آن طور که باید شکل نگرفته است. «فقر آگاهی از دانش و کنش‌های شهروندی» در کنار «ضعف ارزش‌های عام‌گرایانه»، از شرایط علی مؤثر بر تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی است. این دو عامل مانع می‌شوند که شهرنشینان در قالب تشکل‌های شهروندی گرد هم آیند و نسبت به مشکلات شهر و ساکنانش حساس و هوشیار باشند. بدین سان قدرت آینده‌نگری، چاره‌جویی و فرهنگ معطوف به مخاطره در میان ذهنیت ساکنان شهر آن چنان که باید نضج نمی‌گیرد. خانم ص.ر. اظهار می‌کند: «نگاه شهروندی در ما ضعیفه به مرحله شهروندی نرسیدیم حقوقمان را نمی‌شناسیم و مسئولیت‌هایمان را نمی‌دانیم ما شهروند تربیت نشدیم حس مشارکت در ما قوی نیست شما برو ببین چه تعداد از شهروندها در انجمن‌های مدنی عضو هستن».

از دید سوژه‌های مطلع، «ضعف آگاهی‌های زیست محیطی» و «فقر ارزش‌های زیست محیطی» از دیگر شرایط علی ناظر بر پدیده «تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی» در شهرنشینان تهرانی هستند. آقای ح.س. در این باره اظهار داشت: «فکر می‌کنم دانش عمومی نسبت به مکانیزم‌های چرخه حیات و اکوسیستم چندان بالا نیست خیلی افراد به حفظ سیاره آبی و سبز زمین و ضرورت حفظ گونه‌های جانوری گیاهی رودخانه برکه دریا چشمه و کوه پی نبرده و بی توجه‌اند».

از دیگر علل ناظر بر تأخر ادراکی ریسک‌گرایش افراد به «تقدیرگرایی» است. انسان تقدیرگرا برداشتی تسلیم‌طلبانه به زندگی و هستی دارد. در جهان‌بینی مقدر، خرد معطوف به آینده مغفول مانده و سعادت یا شوربختی از پیش تعیین شده است، از این رو در ذهن لاهوتی جایی برای فهم و انتخاب و آفریدن آینده وجود ندارد. هر مصیبت و خطری که انسان گرفتارش می‌شود، ناشی از نیروهای ماورالطبیعه و مرموز و خارج از اراده او تلقی می‌شود و حکایت از امتحان الهی و یا بخت و اقبال کور دارد. او به خطر نمی‌اندیشد و تفکر خردمندانه‌ای در قبال آن ندارد. وقتی خطر حادث شد، آن را به گناه و عقوبت و خواست خدا نسبت می‌دهد. عقل‌گریزی معطوف به گذشته و تعبدی، او را از تلاش و کوشش جهت شناخت مخاطرات و ایجاد تمهیدات

و آمادگی لازم به منظور کاهش و رفع ریسک‌ها و خطرات احتمالی باز می‌دارد. بنابر این ذهن تقدیرگرا قادر نیست فرهنگ ایمنی را به منشی فردی تبدیل کند. آقای ب.ف. در این باره می‌گوید: «کم نیستند آدم‌هایی که اعتقاداتی دارند و همه اتفاق‌ها را از پیش مقدر می‌دونند و حوادث بدی مثل زلزله را به خواست الهی نسبت می‌دهند یا بلیه‌های طبیعی رو به گناه و عقوبت ربط می‌دهند یا به شانس و بخت بد معتقدند». هم‌چنین آقای س.ک. اظهار می‌دارد: «سعادت در حیات و غایت زندگی ما ایرانی‌ها امری بیرون از این جهان‌ها برای رسیدن به سعادت باید تعبد و تسلیم پیشه کرد سعادت در این غایت لاهوتی است و قابل ساختن نیست بلکه از پیش مقدره در این غایت آدم قادر نیست آینده را دخل و تصرف کنه هرچه هست تکرار گذشته است و آینده کور و مقدره».

«احساس محرومیت و بی عدالتی» از دیگر شرایط علی هستند که بر پدیده تأخر ادراکی ریسک در شهرنشینان اثر گذارند. هنگامی که افراد احساس کنند نسبت به دیگران از مواهب و نعمات مادی و معنوی زندگی اجتماعی و شهری برخوردار نیستند و در حق آن‌ها اجحاف و بی‌انصافی روا شده است، نوعی بی‌اعتمادی از جامعه و لاجرم احساس بیگانگی و جدا افتادگی از شهر و محله و دیگر شهرنشینان و مدیریت شهری گسترش پیدا می‌کند. بیگانگی شهری (عدم تعلق و دلبستگی به شهر و همشهریان) آدم‌ها را مستأصل بار می‌آورد و توان تشخیص خطر را از آنان می‌گیرد. به طوری که دیگر برایشان اهمیت چندانی ندارد، چه بر سر خودشان، همشهری‌هایشان و شهری که در آن زندگی می‌کنند، می‌آید. در واقع احساس محرومیت و بی عدالتی در نهایت باعث می‌شود که با سوژه منفعل سروکار داشته باشیم. بدین سان ریسک و پیامدهای آن نادیده گرفته شده و مسکوت و معلق و ناچیز شمرده می‌شود. آقای ع.خ. چنین اظهار نظر می‌کند: «وقتی از امکانات رفاهی و مواهب زندگی شهری بهره کم داشته باشید و جز فقر و نداری چیزی چندانی نصیبان نشه یا وقتی ببینید یک عده خیلی دارند و خودتان خیلی کم تر دارید و در حقتان اجحاف شده و از خیلی امکانات محرومید وقتی ببینید عدالتی در کار نیست نسبت به مردم و محله و شهرداری و شهر بی اعتماد می‌شوید خب حس تعلقتان به شهر از دست می‌رود در چنین حالتی برایتان فرقی نداره چه بر سر شهر و محله و حتی خودتان می‌آید به بی حسی به احساس درماندگی ایجاد می‌شه».

از شرایط مؤثر دیگر بر تأخر ادراکی ریسک (فقر ذهنی مخاطره) نزد شهرنشینان، «اولویت نیازها و مشغله‌های معیشتی» نسبت به دغدغه مخاطرات محیطی شهر است. اغلب شهرنشینان تهرانی به دنبال تأمین نیازهای ضروری و امرار معاش هستند و از گرانی کالاهای اساسی و تورم افسار گسیخته و همچنین از گرانی خرید و یا اجاره بهای مسکن و همچنین پرداخت انواع اقساط وام در رنج و دغدغه بسر می‌برند. لذا به خطرات محیطی پیش روی شهر چندان توجهی نداشته و آن‌ها را نادیده می‌گیرند و یا در مقابل‌شان انفعال و تسلیم پیشه می‌کنند. به بیانی دیگر، اولویت داشتن دغدغه‌های معیشتی بر نگرانی‌های مخاطره‌ای و مواجهه پیشگیرانه نزد شهرنشینان سایه انداخته است. آقای ن.د. در این باره می‌گوید: «بیشتر مردم چنان درگیر مشکلات معیشتی‌اند که فرصت فکر کردن به زلزله و آلودگی هوا را ندارند دستمزدهای پایین هزینه‌های بالای خرید و اجاره مسکن قسط‌های سنگین افزایش مخارج آب و برق و اینجور اقلام باعث شده که خیلی افراد به آلودگی‌ها فکر نکنند اگر هم راجع به آن‌ها فکر کنند کاری از دستشون بر نمی‌یاد».

«گرایش به سبک زندگی مصرفی» نیز از شروط علی است که پدیده تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی را در شهرنشینان تهرانی ایجاد می‌کند. سبک زندگی مصرفی از مشخصات بارز شهر تهران است که ریشه در رشد نیازهای مصرفی فزاینده شهرنشینان در نظام شهری نوظهور طی چند دهه اخیر دارد. گرایش به پیشرفت مادی افراطی و کالازدگی، گرایش به زندگی کربنی و اتومبیل‌زدگی، گرایش به زندگی نمایشی، فزونی زندگی پلاستیکی و نایلونی و همچنین مصرف فزاینده غذاهای فرآوری شده و فست‌فودی بخش مهمی از عناصر سبک زندگی مصرفی به حساب می‌آیند که در تار و پود حیات ساکنان شهر رخنه کرده است. گرایش به مصرف‌زدگی فزاینده از یک سو مانع از دیدن خطرات احتمالی و در نتیجه نشناختن عدم قطعیت‌های پنهان و ناملموس می‌شود و از سوی دیگر قفل شدن در رفتارهای عادی خطرزا (هنجاری شدن و عادت به خطر و پیامدهایش) را به دنبال دارد، به طوری که بسیاری از شهرنشینان با این که می‌دانند سبک زندگی مصرفی، مخاطرات محیطی مانند آلودگی هوا را به بار می‌آورد، اما حاضر نیستند از آن دست بردارند. خانم م.ن. در این باره بیان می‌کند: «گرایشی قوی در مردم به زندگی ماشینی مصرف پلاستیک و نایلون یا خوردن سوسیس کالباس چیپس و انواع فست‌فودها پیدا شده و چنان بخشی از رفتار شده که به

آن عادت کرده‌ایم و حاضر نیستیم از آن دست بکشیم وقتی به چیزهایی عادت بشه به سختی می‌شه آن را ترک کرد برایمان عادی می‌شه و به مشکلاتی که ایجاد می‌کنه کاری نداریم بسیاری از ما با این که می‌دانیم خوردن فست‌فود برای سلامتی ضرر داره اما به لذت خوردنش می‌ارزه دوستی می‌گفت ما که توی این اوضاع احوال خراب زیاد عمر نمی‌کنیم یا سخته می‌کنیم یا سرطان می‌گیریم پس چرا باید اینقدر نگران خوردن فلان غذا باشیم من حاضرم دو روز کم‌تر عمر کنم ولی از خوردن فست فودهای خوشمزه دست بردارم».

عامل علی تأثیرگذار دیگر بر ادراک ریسک شهرنشینان، «پایگاه اقتصادی - اجتماعی» یعنی میزان برخورداری از دارایی، درآمد، سطح تحصیلات و وضعیت شغلی است. به طوری که هر چه میزان دارایی، درآمد، تحصیلات و وضعیت شغلی افراد بالاتر و بهتر باشد، توانایی ادراکی آن‌ها در شناسایی خطرات محیطی مانند زلزله، آلودگی هوا و مخاطرات غذایی افزایش یافته و می‌توانند در مواجهه با مخاطرات، آمادگی و مهارت‌های بیشتر کسب کرده و کنش فعالانه اتخاذ کنند.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه شرایطی خاصی هستند که در زمان و مکان خاصی پدید می‌آیند و اوضاع و احوالی را به وجود می‌آورند که در آن افراد عمل و تعامل خود را اتخاذ می‌کنند. به بیان دیگر زمینه‌هایی هستند که در آن راهبردهای مربوط به پدیده مرکزی شکل می‌گیرند. زمینه‌هایی که در آن راهبردهای مربوط به پدیده تأخر ادراکی ریسک‌های محیطی نزد شهروندان بسط یافته اند، عبارت است از «جغرافیای طبیعی ناپایدار فلات ایران»، «دیالکتیک سازندگی و ویرانگری تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران»، «سخت جانی نظام شخصیتی استبداده زده تاریخی»، «فقر زندگی جامعه‌ی و فقدان تجربه زیسته خرد اجتماعی» و «امتناع تفکر (تسلط انگارهای ذهنی صلب و ضعف اندیشه خودبنیاد و خودآفرین)». آقای ن.ف. در این باره بیان می‌کند: بخشی از ادراکات انفعالی ما به بی‌ثباتی دائمی تاریخ این سرزمین بر می‌گردد موقعیت ایران همواره در شرایط بلایای طبیعی و ناامنی‌های اجتماعی و سیاسی بوده ما ایرانی‌ها همیشه در موقعیت خطرناک و فاجعه باری مثل جنگ خشکسالی قحطی زندگی کرده‌ایم تکرار ناملايمات و مصیبت‌ها وضعی را پیش آورده

که چنان به آن خو کنیم که فرصت اقدام و عمل را از ما گرفته است». آقای غ.ت. اظهار کرد: «زندگی در دایره ناامنی و استبداد باعث شده شخصیت ما مشوش و مغشوش بشه قوه خرد ما را از کار انداخته ما استبدادپذیر ترسو و ضعیف بار آمده‌ایم ما را وادار کرده که خود را باور نکنیم چو فردا شود فکر فردا کنیم یک بی عملی در ما وجود داره».

شرایط میانجی (مداخله‌گر)

شرایط میانجی، وضعیت‌های مناسب یا نامناسبی را در بر می‌گیرند که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل کنشگران به صورت افزایشده یا کاهشده دخالت دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شرایط مداخله‌گر نه تنها به کارگیری راهبردهای مقابله با ریسک را تسهیل نمی‌کند، بلکه محدود کننده است. از دید مطلعین، شرایط میانجی مشتمل بر ضعف مدیریت شهری در آگاهی بخشی ریسک، شهروندزایی مدیریت شهری، شیء انگاری مدیریت شهری به شهر، شهروندگریزی نهادهای دولتی، ضعف ساختار و عملکرد نهادهای دولتی و مدیریت شهری، ضعف آموزش و پرورش در آگاهی بخشی ریسک، ضعف آموزش و پرورش در تولید انسان شهروند، فقر فرهنگ شهروندی و زیست محیطی در خانواده و ساختار و رویکرد غیر دمکراتیک قدرت سیاسی است. آقای س.ل. می‌گوید: «در مورد مخاطرات و آگاهی از آن باید عرض کنم که شهرداری اراده‌ای به آموزش و ترویج مهارت‌های مقابله با خطر به شهروندان ندارد مدارس و کتب درسی هم آن طور که باید دانش و مهارت‌های ریسک را آموزش نمی‌دهند چون در این نهادها ضرورت توجه به ریسک به وجود نیامده سیاست‌گذاران شهری خیلی به خطرات مبتلا به شهر کاری ندارند شهرداری بیشتر در جهت کسب درآمد کار می‌کند شهر به کارگاه کسب درآمد شهرداری به هر قیمتی درآمده». خانم ا.ص. اظهار داشت: «مدارس و سازمان‌های فرهنگی تفکر و مهارت‌های شهروندی را آموزش نمی‌دهند انسان شهروند و مسئول به وجود نمی‌آورند سازمان‌های بحران شهری و محیط زیست آن طور که باید مسئولیت‌شان را درست انجام نمی‌دهند به دستگاه‌های عریض و طویل بی‌خاصیت تبدیل شده‌اند آموزش به مردم در این زمینه‌ها تقریباً هیچ‌شهر با تبلیغات و شعار اداره می‌شه ما در نهادهایی به سر می‌بریم که ظاهری مدرن دارند اما باطن‌شون با عقل میانه‌ای نداره این سازمان‌ها شهروند مشارکت‌جو و آینده‌نگر تربیت نمی‌کنند».

کنش و تعامل (راهبرد)

راهبردها، سازوکارها و تدابیری هستند که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شوند. افراد در مواجهه با مسئله، کنش‌ها و ترفندهایی را در پیش می‌گیرند که شکل‌گیری و تحقق پدیده را میسر می‌کنند. در واقع با اتخاذ راهبردها در مقابل مسئله، پدیده نمود پیدا می‌کند. از منظر سوژه‌های مطلع، اغلب شهرنشینان تهرانی در برخورد با ریسک‌های محیطی، **راهبردهای انفعالی و غیر مولد** از جمله توجیهات لاهوتی، راهکارهای مناسکی، ترفندهای جادویی و فراطبیعی و مسئولیت‌گریزی و دلیل‌تراشی را اتخاذ می‌کنند. افرادی بسیار کمی از شهرنشینان هستند که بر استفاده و بهره‌مندی از تاکتیک‌های فعال از جمله تاکتیک‌های مقابله با (زلزله، آلودگی هوا و زندگی سرسام آور شهری، آلودگی زباله و آلودگی آب، ریسک‌های غذایی مضر سلامت، کمبود آب) تأکید داشته باشند و آن‌ها به کار گیرند. به طوری که به کارگیری این راهبردها در میان شهرنشینان چندان فراگیر و قابل ملاحظه نیست. نتیجه این که در میان شهرنشینان **تأخر کنش** در رویارویی با مخاطرات محیطی مشهود و گسترده بوده و وجهی غالب دارد. آقای ن.خ. اظهار می‌کند: «آدم‌های کمی هستند که در انتخاب محل سکونتشان به محکمی خانه توجه دارند امکانات مالی کم اجازه فکر کردن به این چیزها را نمی‌دهد یا اساساً مشغله‌شان نیست در بعضی از خانه‌ها دستگاه‌های تهویه هوا یا تسویه آب پیدا می‌شود اما این عمومیت ندارد». خانم ل.ع. می‌گوید: خیلی‌ها برای رفع بلا به دعا و ذکر و نذر و کفاره روی می‌آورند به نظرم این افراد کم نیستند افرادی را سراغ دارم که تمام فکر و ذهنشون دعانویسی و فال‌گیری است». آقای ص.ل. درباره مسئولیت‌گریزی شهرنشینان اظهار داشت: چند روز پیش به رستوران رفتیم همسرم به گارسون گفت این سفره پلاستیکی یکبار مصرف برای محیط زیست مضره همین شیشه روی میز را تمیز کن سفره یکبار مصرف نمی‌خواهیم گارسون در جواب گفت مملکت که همه چیزش خراب شده بگذار محیط زیستش هم خراب بشه این مملکت درست بشو نیست این هم مثل همه خرابی‌ها شما برو جلوی تاراج اموال و دزدی‌هایی که می‌شه بگیر مشکل محیط زیستش با من و شروع کرد به تمسخر نکته‌ای که باید عرض کنم این است که بی‌مسئولیتی به دنبالش بی‌مسئولیتی می‌آورد افراد دنبال توجیه کارهاشون هستن».

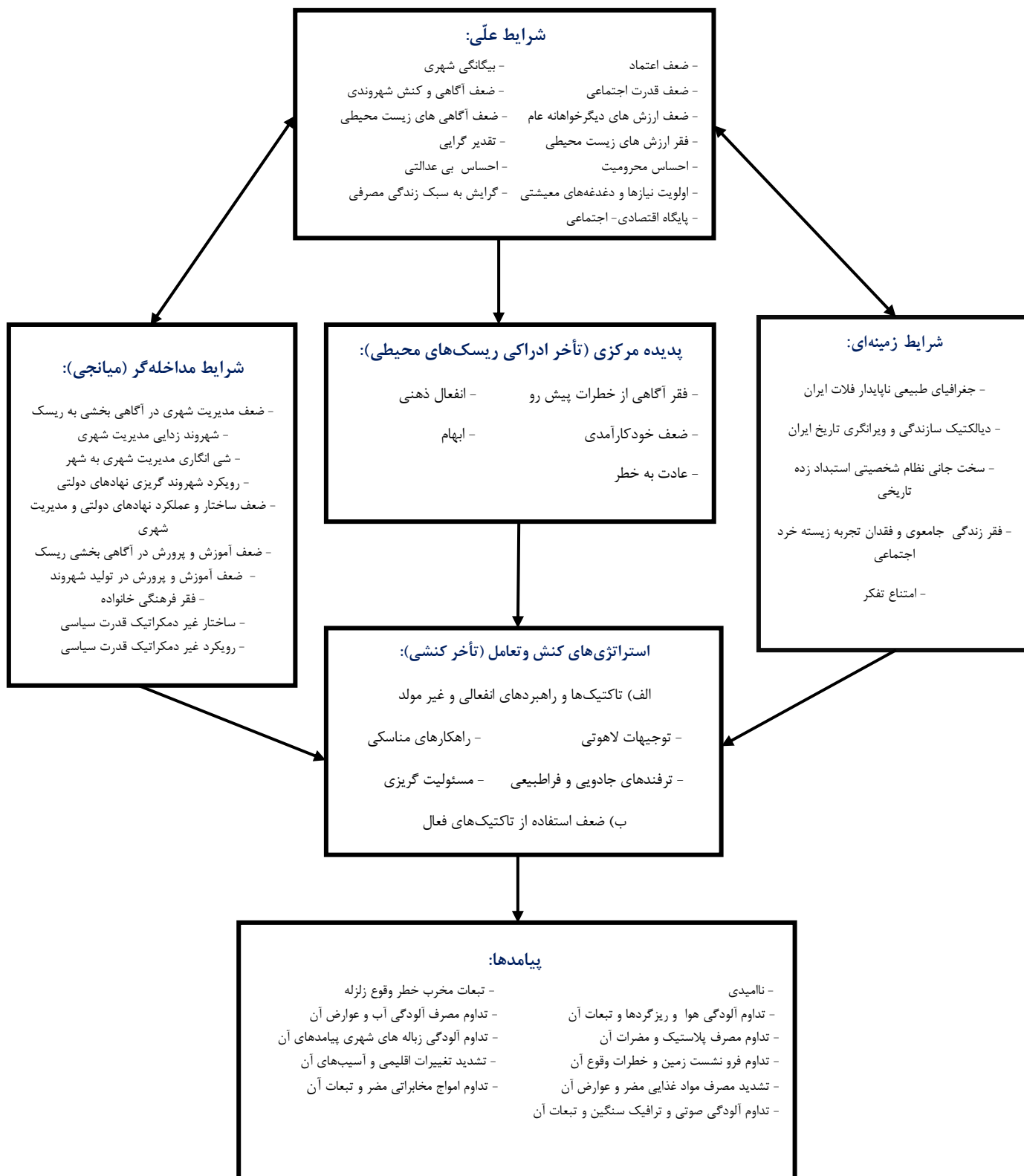
پیامدهای ناشی از کنش‌ها

به کارگیری راهبردها یا انجام کنش‌ها در پاسخ به مسئله یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی که از سوی کنشگران اتخاذ می‌شود، پیامدهایی در پی دارد. اغلب شهرنشینان راهبردهای انفعالی و غیر مولد را در قبال مخاطرات محیطی در پیش می‌گیرند که پیامدهایی به همراه می‌آورد. از نظر سوزدها، ناامیدی از جمله این پیامدها در میان شهرنشینان است. خانم ج.ا. بیان می‌کند: حال و روزمان طوری شده که هر جا پا می‌گذاریم می‌بینی افراد امیدشان را به حل مشکلاتشان از دست داده‌اند گشایشی در کارهاشون نمی‌بینن آینده براشون تیره و تاره یک احساس بدبینی و بدگمانی اپیدمی شده به جای امید به آینده ترس جایگزین شده».

پیامدهای حاصل از اتخاذ کنش‌های انفعالی و غیر مولد و همچنین ضعف استفاده از تاکتیک‌های فعال در مواجهه با مخاطرات محیطی صرفاً ناامیدی و عناصرش را در بر ندارد، بلکه ابعاد گسترده‌تری از جمله «تبعات مخرب خطر وقوع زلزله»، «تداوم آلودگی هوا و تبعات جسمی و روحی آن»، «تداوم مصرف آلودگی آب و عوارض آن»، «تداوم مصرف پلاستیک و مضرات ناشی از آن»، «تشدید آلودگی زباله‌های شهری و تبعات آن»، «تداوم فرو نشست زمین و خطرات وقوع آن»، «تشدید تغییرات اقلیمی و آسیب‌های آن»، «تشدید مصرف مواد غذایی مضر و عوارض آن»، «تداوم امواج مخابراتی و پارازیت‌های مضر و تبعات آن» و «تداوم آلودگی‌های صوتی و ترافیک سنگین و تبعات آن» را به همراه می‌آورد. آقای د.ش. می‌گوید: آدم‌ها وقتی نسبت به آلودگی هوا و آب و ترافیک سرسام آور و صداهای وحشتناک موتورسیکلت‌ها که از پیاده‌روها رد می‌شن حساسیت خودشون را از دست بدهند و کاری نکنند خب فکر می‌کنید آخرش چی می‌شه آخرش می‌شه ادامه این بدبختی‌ها و هزار تا مریضی شما برو یک سری به این بیمارستان‌ها بزن ببین چه خبره مردم خودشون به سلامتی خودشون قبل از مریضی فکر نمی‌کنند توجه ندارند که این آلودگی‌ها مسبب این همه مریضی است مردم خیلی گرفتار دوا و درمون هستن».

با عنایت به مقولات کشف شده و خط داستان تقریر شده، خلاصه نتایج حاصل در مدل پارادایمی تأخر ادراکی و تأخر کنشی شهرنشینان از ریسک‌ها و مخاطرات محیطی شهر تهران ترسیم و معرفی می‌شود.

مدل پارادایمی تأخر ادراکی و تأخر کنشی شهروندی تهران در مواجهه با مخاطرات محیطی



تفسیر نتایج

از مقوله‌های تأخر ادراکی و تأخر کنشی در بین‌الاذهان و اندرکنش شهرنشینان تهرانی به مقولهٔ عام‌تر «فقر فرهنگی مخاطرات محیطی» انتزاع می‌شود. بدین معنی که آگاهی و خرد معطوف به مخاطره و کنش معطوف به آن در سوگیری شخصیتی شهرنشینان تهرانی تبلور چندانی نیافته و قابل ملاحظه نیست. به بیان دیگر می‌توان ادعا کرد در الگوهای ذهنی و کنش‌های ساکنان شهر تهران فرهنگ ایمنی و پیشگیری نمود چندانی ندارد.

مفهوم تأخر فرهنگی مخاطرات محیطی به جامعه شهری شده ایران قابل تسری است، این که **گفتمان مخاطره در بین‌الاذهان و کنش‌های اجتماعی جامعه ایرانی شکل نگرفته است** و به یک رویکرد عمومی و مسلط تبدیل نشده است. گفتمان مخاطره یکی از شاخص‌های مدرنیته کلاسیک به لحاظ سنجش علمی و عقلانیت فنی بود. در عصر مدرنیته متأخر، گفتمان مخاطره به وجه ممیزه و کلیدی‌ترین شاخص جامعه مدرن به لحاظ عقلانیت اجتماعی و خرد مردمی در می‌آید. گفتمانی که در سطوح نهادی، عمومی و فردی به خصلت کانونی مدرن‌سازی جوامع مدرن مبدل شده است. جامعه‌ای که به طور مداوم در برابر خطرات طبیعی و صدمات مخاطرات انسان‌ساخت و عدم قطعیت‌های ناشناخته قرار دارد، ولی تلاش می‌کند با بازاندیشی و به مدد عقل اجتماعی در پرتو جنبش‌های زیست محیطی و در پیوند با عقل علمی، مخاطرات محیطی را به ادراک و بازشناسی در آورد و در رویارویی با تهدیدها آمادگی و توانایی بیشتر کسب نماید. لذا جامعه مدرن متأخر هم در مخاطرات محیطی غوطه‌ور است و هم از فرهنگ بازاندیشانه و گفتمان مخاطره برخوردار است.

اما در جامعه ایرانی می‌توان از یک سو توسعه نیافتگی عقلانیت علمی و فنی را جهت شناخت و کنترل ریسک‌های عصر حاضر مشاهده کرد و از سوی دیگر بسا بیشتر فقر عقلانیت اجتماعی و فرهنگی به معنای ناتوانی در ادراک و کنش‌های اجتماعی در مواجهه با مخاطرات را به طور وسیع‌تر و عمیق‌تر نظاره کرد. به گونه‌ای که گفتمان مخاطره به معنای آینده‌شناسی، آینده‌نگری، بازنگری آینده و بازاندیشی و کنش ارادی فعال در مقابل خطرات پیش رو در ذهن و عمل ایرانی حضور و بازتاب چندانی ندارد. فقدان یا ضعف گفتمان

خطر به واقع ریشه در نارسایی و ضعف نهادها، ساختارها و جنبش‌های اجتماعی مدرن در ایران دارد. نهادها و ساختارهای شهری تنها در بخش سخت افزاری و کالبدی رشد کرده‌اند. اما در بخش اجتماعی و فرهنگی یعنی در بخش نرم افزاری و خرد اجتماعی توسعه نیافته‌اند. ما ایرانیان در نهادهای مدرن به سر نمی‌بریم. بلکه بیشتر در نهادهایی قرار داریم که از تلفیق عناصری از الگوهای ذهنی پیشامدرن و بخش سخت افزاری و ابزاری مدرن حادث شده‌اند. این تلفیق انسان مخاطره‌شناس تربیت نمی‌کند.

جامعه شهری شده ایران علی‌رغم حضور دائمی خطرات محیطی (طبیعی و برساخته) از عقلانیت علمی و بسا بیشتر از عقلانیت اجتماعی که از نشانه‌ها و شاخص‌های محوری جامعه مدرن و توسعه یافتگی محسوب می‌شوند، برخوردار نیست. به طوری که در قلمرو شناخت و سنجش ریسک‌های خارجی و فنی و برخورداری از فنون مقابله و کنترل آن‌ها مانند خطر زلزله از توسعه نیافتگی در رنج است و هم‌چنین در قلمرو آگاهی، و عقلانیت اجتماعی و کنش فعالانه در مواجهه با مخاطرات محیطی برساخته مانند آلودگی‌های محیط زیستی به مراتب ناتوان‌تر و مقهورتر است و رنج مضاعفی را بر دوش می‌کشد.

لذا می‌توان استنباط کرد که جامعه ایرانی از منظر رویکردی در حوزه‌های نهادی، عمومی و فردی در فاصله شناختی و ادراکی از مخاطرات محیطی و انفعال رفتاری در مواجهه با آن‌ها قرار دارد و بنابر این جامعه‌ای است که در مقایسه با جوامع مدرن به لحاظ فکری، فرهنگی و اجتماعی به مراتب توسعه نیافته است و در گفتمان اجتماعی و فرهنگی توسعه قرار ندارد، به گونه‌ای که از گفتمان پیشرفت اجتماعی و گفتمان کیفیت زندگی محیط زیست محور نسبت به جوامع توسعه یافته محروم یا کم بهره است. لذا گریز از خرد اجتماعی و امتناع از توسعه اجتماعی زیست بوم‌گرا مهم‌ترین مسئله جامعه شهری شده ایران محسوب می‌شود.

با گسترش شتابان، ناهمگون و افسار گسیخته شهر و شهرنشینی در صد و بیست سال اخیر، به ویژه طی نیم قرن گذشته در ایران، علایق و نیازهای فزاینده مادی در شهرنشینان در اولویت قرار گرفت، به طوری که توسعه زندگی شهری معاصر، نیازهای جدیدی را به لحاظ رفاهی در آن‌ها ایجاد کرد و فعالیت‌ها و کنش‌های‌شان هر چه بیشتر به سوی برآورده شدن این نیازها معطوف گردید. این فرآیند کم و بیش در سوگیری شخصیتی و در الگوی رفتاری طبقات اجتماعی - صرف نظر از توزیع نابرابر نعمات مادی - تسری

یافت و در اذهان و کنش‌های آن‌ها نهادینه شد. کالازدگی، پول‌زدگی، گرایش به بر خورداری فزاینده از امکانات و مواهب متنوع زندگی شهری، مصرف تظاهری و کنش معطوف به موفقیت از شاخص‌های اصلی این فرایند محسوب می‌شوند. علی‌رغم گسترش و تعمیق گرایش به نیازهای معطوف به اهداف مادی، بسیاری از انگاره‌ها و شیوه زندگی سنتی در حیات ذهنی و رفتار شهرنشینی نه تنها رخت بر نبست و رو زوال نگذاشت، بلکه به بقا و سخت جانی خود ادامه داد.

به بیان دیگر روند رشد شهرنشینی در ایران معاصر نه تنها منجر به گسست از سنت و ذهن لاهوتی نگردید، بلکه شرایطی را فراهم ساخت که بسیاری از سنت‌ها و اقتضائات ذهنی دنیای پیشامدرن توانست تا حدودی به حیات خود در بین‌الاذهان و اندرکنش شهرنشینان و در همراهی با گرایش به سبک زندگی مصرفی شهری ادامه دهد.

همزیستی و درآمیختگی نیازهای فزاینده معطوف به اهداف مادی و رفاهی با بسیاری از انگاره‌ها و شیوه زیست پیشامدرن در نظام شخصیتی و الگوهای رفتاری شهرنشینی در ایران معاصر از یک سو و از سوی دیگر فقدان تجربه زیست مدنی و کم‌بضاعتی زندگی انجمنی مدرن و هم‌چنین فقدان شهریت (به معنای نحیف‌بودگی و نحیف‌سازی عرصه عمومی و ضعف گفتگو) و نارسایی نهادها و ساختارهای مدرن در تربیت انسان ریسک‌شناس و مجهز به مهارت‌های مخاطره و در اولویت قراردادن ریسک‌های اقتصادی-اجتماعی نسبت به مخاطرات محیطی به ویژه در میان اقشار آسیب پذیر شهری، همه و همه از موانع جدی بر سر راه شکل‌گیری خودها و هویت‌های اجتماعی زیست‌بوم‌محور و کنش‌های اجتماعی زیست‌بوم‌گرا به حساب می‌آیند. لذا هویت‌های فردی و جمعی ما تهی یا کم بهره از فرهنگ و خرد اجتماعی زیست‌بوم‌گرا-انسان محور است و لاجرم علی‌رغم حضور بی‌وقفه مخاطرات محیطی در تار و پود حیات اجتماعی و طبیعی‌مان، گفتمان و کنش معطوف به آینده و گفتمان مخاطره به معنای ادراک و کنش فعال و مسئولانه در مواجهه با مخاطرات محیطی در سوگیری شخصیتی و رفتارهای ما شکل نمی‌گیرد و متعین نمی‌گردد و در نتیجه فرهنگ و گفتمان مخاطره مغفول و ابتر می‌ماند.

خطرات محیطی پی در پی زنجیره وار می آیند و به شکل جرم انباشتی مخاطره و آسیب اتفاق می افتند، اما ذهن و کنش ما در مواجهه با آن ها پس افتاده است و قادر به فهم خردمندانانه، ادراک دوراندیشانه و اقدامات فعالانه و مؤثر در مقابله با آن ها نیست. به عبارت دیگر شرایط مخاطره از آگاهی ما به آن ها تقدم دارد. ضعف گفتمان و فرهنگ معطوف به مخاطره در عرصه خرد علمی و بسا بیش تر در عرصه خرد اجتماعی بزرگ ترین مسئله شهر و شهرنشینی ایران معاصر است.

تأخر ادراکی و کُنشی ریسک و عدم بازتاب ارادی و فعال در باب خطرات بالقوه و بالفعل در ذهن و عمل اکثریت ایرانیان و در رویکرد نهادهای شهری و دولتی، ریسک ها و عدم قطعیت های برساخته، ناخواسته و ناشناخته را تشدید می کند و پیامدهای ناگوار ناشی از وقوع آن ها را شدت می بخشد.

به طور مثال اگر در برابر خطر زلزله در شهر تهران اطلاعات و آگاهی کافی نداشته باشیم و نسبت به آن غفلت ورزیم و بی اهمیت جلوه دهیم و تمهیدات لازم در برابرش اتخاذ نکرده باشیم و از مهارت های لازم برخوردار نباشیم و آن ها را پیش از وقوع، هنگام وقوع و بعد از وقوع به کار نبندیم، پیامدهای ناگوار تلفات انسانی و خیل مسائل اجتماعی و روانی به شکل تشدید یافته بروز می کند و نرخ خسارات مالی فزون تری را در بر خواهد داشت. همین طور اگر مخاطرات تولید شده مانند آلودگی هوا در رویکرد نهادها و سازمان های شهری و دولتی و هم چنین در بین الازدهان شهرنشینان جدی گرفته نشوند و بازتاب ارادی نیابند و تبعات منفی آن ها انکار یا کوچک شمرده شوند، با وسعت و شدت بیشتری تداوم پیدا می کنند و عواقب آن به شکل انواع بیماری ها، مرگ و میرها و مشکلات حاد اجتماعی تشدید می شوند و در نتیجه زنجیره چرخشی خطر و آسیب حدت و شدت می یابد.

ما به مثابه شهرنشینان ایرانی در جهانی به سر می بریم که آکنده از مخاطرات محیطی است، اما تصویر مشترکی از خطرات بالقوه و بالفعل به معنای به تصویر کشیدن آینده قابل ساختن در اذهانمان مفقود یا مبهم مانده است. ما در جهانی در محاصره تهدیدهای محیطی قرار داریم و در عین حال در ایجاد آن ها نیز نقش داریم، اما آمادگی زیستن فعال و مقابله با آن ها را کسب و درونی نکرده ایم. روح و قواعد عمل جمعی عام و سوگیری خرد اجتماعی زیست بوم گرا در دنیای پُر ریسک در ما هنوز شکل نگرفته و تبلور نیافته است.

با خودها و هویت پیشینی که با رشد فزاینده عقل ابزاری معطوف به موفقیت‌های مادی امتزاج یافته است، نمی‌توان در جهان پرمخاطره، حیات اجتماعی و انسانی و پایداری محیط زیست را قوام و تداوم بخشید و به سوی توسعه اجتماعی محیط‌زیست محور گام گذاشت. خودها و هویت ما از همسازی و در آمیختن سنت و الگوهای ذهنی پیشامدرن و تشدید شیوه زندگی مادی‌گرایانه ناشی از عقل ابزاری و بخش سخت افزاری مدرنیزاسیون شکل گرفته است. این ترکیب ما را از فهم و ادراک و کنش اجتماعی خردمندانه، بازاندیشانه و اقدام مؤثر در مواجهه با مخاطرات زیست محیطی باز داشته است. هم‌چنین در جامعه‌ای که اقشار وسیعی از شهرنشینان درگیر تأمین نیازهای معیشتی خود هستند و ریسک‌های اقتصادی- اجتماعی مانند فقر، بیکاری، درآمد کم، مشاغل موقت، گرانی فزاینده مایحتاج ضروری، گرانی شتابان مسکن و هزینه‌های سرسام آور درمان و تحصیل فرزندان به دغدغه اصلی تهیدستان و حاشیه‌نشینان تبدیل شده است، دیگر جای چندانی برای نگرانی فعال و کنش مسئولانه در برابر مخاطرات باقی نمی‌گذارد.

زیستن در دنیای آکنده از مخاطره نیازمند خودهای شخصی و هویت جمعی پسینی است به طوری که هم ارزش‌ها و هنجارهای جهان شمول انسانی و هم ارزش‌ها و هنجارهای زیست محیطی را درونی کرده و پاس دارد و در پیوند با یکدیگر قرار دهد. تنها هویت جمعی عام انسان محور و زیست بوم‌گرا قادر است نسبت به مخاطرات محیطی واقف گردد و در مواجهه با آن‌ها هوشیارانه و همدلانه دست به اقدام مؤثر بزند. دستیابی به فرهنگ ریسک و گفتمان مخاطره، در جهان پُرخطر، نیازمند توسعه هویت اجتماعی انسان محور- زیست‌بوم‌گرا است.

* مقاله حاضر نسخه تفصیلی و گسترده‌تری از مقاله «یک مطالعه کیفی در باب تأخر ادراکی از ریسک‌های محیطی در شهر تهران» است که پیش از این در نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران دوره 9 شماره 2 سال 1399 منشر شده بود.

منابع

- اروین، آلن (1393) جامعه‌ناسی و محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، چاپ اول، بابلسر: دانشگاه مازندران.

- الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (1393) برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- بری، جان (1380) محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پوریان و نیره توکلی، چاپ اول، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- بریکول، گلینیس. ام (1393) روان‌شناسی ریسک، ترجمه پروانه فخیم قاسم زاده و مهتاب صالحی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده بیمه.
- بک، اولریش (1388) جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده، چاپ اول، تهران: کویر.
- بک، اولریش (1397) جامعه خطر به سوی مدرنیته‌ای نوین، ترجمه رضا فاضل و مهدی فرهمندنژاد، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
- بک، اولریش (1395) جامعه‌شناسی کار (دنیای شگفت‌انگیز کار در مدرنیته بازاندیشانه)، ترجمه سعید صادقی جقه و آیت نباتی حصار، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- توسلی، غلام عباس و وداد هیر، ابوعلی (1387) مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره آمیز، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره 4، زمستان، 42-22.
- دنی، دیوید (1393) ریسک و جامعه، ترجمه صالح کاشانی محمدی، چاپ اول تهران: پژوهشکده بیمه.
- ریتزر، جورج (1393) نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ساتن، فیلیپ دبلیو (1393) درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (1396) جامعه و تغییر آب و هوا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- عسگری زاده، زهرا و همکاران (1396) بررسی نقش ادراک ریسک مردم بر رفتارهای کاهش ریسک زلزله در شهر تهران، دو فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت بحران، شماره 12، 68-57.

- فاستر، جان بلامی (1382) اکولوژی مارکس ماده باوری و طبیعت ، ترجمه اکبر معصوم بیگی ، چاپ اول، تهران: نشر دیگر.

- فراستخواه، مقصود (1395) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه، تهران: آگاه.

- قاسمی، محمد علی (1388) جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره 12، شماره 3 (مسلسل 45)، پاییز، 46-27.

- کسلر، دیرک (1394) نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن‌ها، ترجمه کرامت الله راسخ، چاپ دوم، تهران: آگه.

- کمشال، هیزل (1391) جامعه‌شناسی ریسک (ریسک، سیاست اجتماعی و رفاه)، ترجمه مهرداد نوابخش و همکاران، تهران: بهمن آرا.

- گیدنز، آنتونی (1379)، جهان رها شده ، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، چاپ اول، تهران: نشر علم و ادب.

- گیدنز، آنتونی (1395) جهان لغزنده است، ترجمه علی عطاران، چاپ اول، تهران: بنگاه نشر پارسه.

- گیدنز، آنتونی (1378) تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی.

- لاپتون، دبورا (1380) بیم و مدرنیزاسیون تأملی، ترجمه مریم رفعت جاه، ارغنون، شماره 18، 316-293.

- محسنی تبریزی، علیرضا (1395) روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری ، تهران: انتشارات اطلاعات.

- هانیگان، جان (1393) جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، چاپ اول، تهران: سمت.

- یوسفوند، سامان و مرادی نژاد، زینب (1397) طبیعت بحرانی و جامعه در معرض خطر (میراث جامعه‌شناسی اولریش بک)، چاپ اول، تهران: انتشارات گل آذین.

- Beck, U (1992) Rick Society, London: Sage.

- Beck, U (1995) Ecological Politics in the Ago of Risk. Cambridge: Polity press.

- Beck, U (1996) *The Reinvention of Politics: Rethinking Modernity in the Global Social Order*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U., Giddens, A. and Lash, S. (1994) *Reflexive Modernization*. Cambridge: Polity.
- Burns, N and Grove, S. (1999) *Understanding Nursing Research*. 2nd ed WB Saunders Company. Philadelphia.
- Charmaz, K.(2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide Through Qualitative Analysis* London: SAGE.
- Corbin Juliet and Anselm Strauss (1990) *Grounded Theory Research: Procedures Canons and Evaluative Criteria*, *Qualitative Sociology*, Vol. 13, No. 1, 1990.
- Curran, D (2013) *Risk Society and Distribution of Bads. Theorizing Class in the Risk Society*. *The British Journal of Sociology* 64(1): 45-61.
- Giddens, Antony (1999) *Runway World: How Globalisation Is Reshaping Our Lives*, London Profile Books.
- Patton, M.Q. (2002). *Qualitative Research Evaluation Methods* (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage .
- Rittichainuwat, B. N.(2013) *Tourism and tourism suppliers, perceptions toward crisis management on tsunami*, *Tourism Management*, 34,121-112.
- Slovic, P, Fischhoff, B .and Lichtenstien, S. (1979) *Rating the risks*. *Environment*, 21(3), 14-20, 36-90.
- Slovic, P, Fischhoff, B .and Lichtenstien, S. (1982) *Why study risk perception?* *Risk Analysis*. 2. 93- 283.
- Zelizer, Viviana (1987), *Human Values and the Market: The Case of Life Insurance and 19- Century American* , *Death in journal of Sociology* 84 , 591-610